



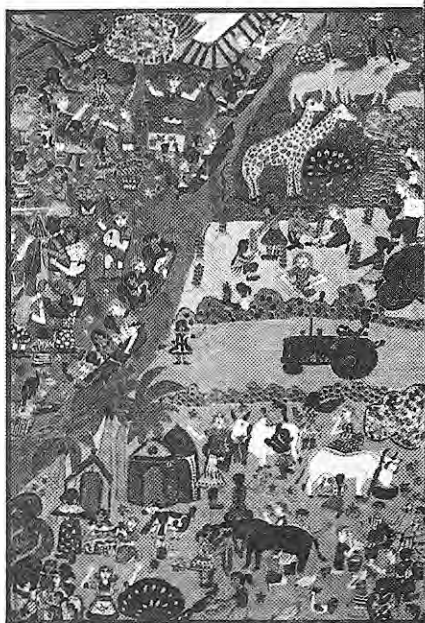
پرولترهای جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۳

مرداد - شهریور
سال ۱۳۶۵

اول ژوئن - روز بین المللی دفاع از کودکان



ورا شرمت (اتحاد شوروی) ، آلیسا ماریا دلا کامپو
(کوبا) ، رنومان (هندوستان) میخواهند جهان را
چنین ببینند .
از نمایشگاههای بین المللی نقاشی کودکان

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۳ - ۱۲	با پیروی از روش تسریع در پیشرفت اجتماعی - اقتصادی	میلهوش یاکش
۱۳ - ۲۶	درواه ایجادگری کونیستی و صلح	گئورگی رازوفسکی
۲۷ - ۳۹	در پارلمان ه در سندیکاها و در بیان توده ها	سیمون ریسی ریورا
۴۰ - ۴۴	سرچشمه بی پایان امید	دولارس ایباروری
۴۵ - ۵۲	درجه پنم انصارو در زیر شکجه تسلیم نشدند	رافق سمسون
۵۳ - ۶۰	دشمنان کیستند ؟	-
۶۱ - ۶۲	خبرهای کوتاه	-

با پیروی از مشی تسریع در پیشرفت اجتماعی - اقتصادی

میلوخ یاکش

عضوهیئت رئیسه ود پیرکمیته مرکزی
حزب کمونیست چکسلواکی

آنچه اکنون تعیین کننده اندیشه و عمل کمونیست ها و تمام مردم چکسلواکی است این است که برنامه استراتژیک پیشرفت هرچه بیشتر جامعه ما را که به تصویب هفتمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی رسیده و چگونه بهتر و کامل تر به مرحله اجرا درآوردند. این کنگره در ماه مارس سال ۱۹۸۶ برگزار گردید و تدارک آن با پلنوم زوئن کمیته مرکزی در سال گذشته آغاز گردید. پلنوم درباره برگزاری کنگره و مستعدی آن تصمیم گرفت و وظائف عمده دوران پیش از کنگره را معین کرد. به تمام سازمانهای حزبی پیشنهاد میشد چگونگی اجرای خط مشی اصلی ساختمان سوسیالیسم پیشرفته در چکسلواکی را که چهاردهمین کنگره حزب در سال ۱۹۷۱ اعلام کرد یا برخوردی انتقادی مورد بررسی قرار دهند.

اندیشه ها و اسناد و مدارک بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی نیروی زند موخلاق این به سراسر این کار بخشیدند. رهنگ. هوساک دیپوکل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی در سخنرانی خود در کنگره ما از طرف تمام کمونیست های چکسلواکی چنین گفت: "ما از نتیجه گیریهای بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و روح اصولیت آن پشتیبانی بعمل میآوریم. برای ما این بدان معنی است که باید تجربیات حزب لنین را عمیق تر آموخت و به آنچه بدست آمده نباید قناعت کرد. باید کاری کرد که انتقاد و انتقاد از خود در حزب ما از حقوق کامل برخوردار باشد و باید با مشکلاتی که موجود است قاطعانه تر مبارزه کنیم و روابط حزب با مردم را تحکیم نمائیم" (۱).

بحث و مذاکره قدمتی طرح اسناد کنگره از طرف کمونیست ها و مردم جزئی از کار تدارکاتی برای کنگره بود. طرح سمت های اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی چکسلواکی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۶ و دوران تا سال ۲۰۰۰ در مرکز توجه همگان قرار داشت. در این طرح وظایفی نه چندان آسان ولی کاملاً عملی واقع بنحوانه فرمول بندی شده است که انجام آنها پیشرفت همه جانبه کشور را ضمن پالابردن

هرچه بیشتر سطح زندگی مردم و کمک جدی آن به ترقی اجتماعی و تحکیم صلح در سراسر جهان تأمین
 میکند. پیروزان کنگره طرح انجام تغییراتی در اساسنامه حزب کمونیست چکسلواکی هم انتشار یافت و
 مورد بحث و مذاکره قرار گرفت.

حزب د رتیه و تدوین اسنادی که نام بردیم بطرز لئینی بمسائل برخورد کرد. حزب با اتکاء
 به تجزیه و تحلیل پیرویه های اجتماعی - تاریخی، با توجه به تمام پهنجی آنها، دیدن اینکسه
 تحت تأثیر پنداره های موهوم قرار گیرد ویا نواقص را نادیده انگارد به این کار پرداخت. وضع کشور و
 جهان و امکانات ما هشیارانه و بطور جدی ارزیابی میشوند. رهنمود ما عقب نشستن در برابر دشواریها
 و برطرف ساختن آنها با استفاده از تمام امکانات بود.

کمونیست ها و سایر اهالی کشور پس از بحث و بررسی طرحها از آنها پشتیبانی بعمل آوردند
 و پیشنهادات و تذکرات زیادی ارائه نمودند. ضمن تصحیح اسناد مذکور این پیشنهادها و تذکرات
 در نظر گرفته شد.

تدارک هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی و جریان کار کنگره بخشی از پیرویه کلی رویداد
 های زندگی ما طی پانزده سال اخیر را تشکیل میدهند. نتایج بدست آمده طی این مدت درستی
 سیاست حزب را با قاطعیت تأیید میکنند. کنگره این واقعیت را خاطرنشان ساخت که سوسیالیسم
 با غلبه بر بحران عمیقی که تجدید نظر طلبان و راستگرایان با پشتیبانی ارتجاع بین المللی او خرسالمهای
 ۶۰ در حزب و جامعه بوجود آوردند، در سیر اعتلای همه جانبه، بدون انحراف، گام نهاد. وضع
 زندگی مردم مرتباً بهبودی یافت و به اعتماد اجتماعی آنان افزوده شد. چکها، اسلواکیا و همه
 اقوام جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی عملاً از حقوق برابر برخوردار شدند. چکسلواکی با پیروی
 از سیاست خارجی که متکی به اتحاد برادرانه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی است
 فعالانه در مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی و روی زمین سهم گردید.

اقتصاد جمهوری در نتیجه کار و زحمت فدکاران مردم به موفقیت های چشمگیری دست یافت. در
 ضمن انجام هفتمین برنامه پنجساله (سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱) نتایج بسیار مهمی ببار آورد. این
 موفقیت ها باسانی بدست نیامد و ناگزیر بودیم مشکلات بزرگی را که از شرایط داخلی و خارجی ناشی شده
 بود و همچنین نواقص گوناگونی را که در کارها پدید آمده بود برطرف سازیم. با اینهمه باید تأکید کرد که
 نظام سوسیالیستی ما برتریهای خود را درست هنگامی بطور قانع کننده ای بروز داد که سرمایه داری
 جهانی تکانهای بحرانی عمیق را از سر میگذاشت. درآمد ملی که میزان و تقیاس ثروت اجتماعی است طی
 پانزده سال اخیر در چکسلواکی ۸۱ درصد و حجم تولیدات صنعتی ۹۲ درصد افزایش یافته است.
 اعتلای کشاورزی عامل ثبات مهمی بود. به حجم محصولات کشاورزی بیش از یکم افزوده شد و این پدیده
 به کشور ما امکان داد خود را با انواع عمده خواربار با وجود بالا بودن میزان مصرف تأمین کند.

موفقیت های اقتصادی پایه و اساسی برای رسیدن به هدف های حزب در عرصه سیاست اجتماعی بود . اختلاف میان سطح زندگی در شهر و روستا هموزان قابل توجهی از بین رفت . به بیکاری بسزای همیشه پایان داده شده است . مصارف شخصی شهروندان طی پانزده سال ۴۴ درصد و حجم متیازاً ، تخفیف و خدمائی که دولت بطور رایگان در اختیار اهالی قرار میدهد تا ۱۰۶ درصد افزایش یافته است . چکسلواکی از لحاظ مصرف سرانه گوشت از سوئیس ، هلند ، سوئد ، دانمارک و بریتانیا پیش افتاده است . طی همین مدت در جمهوری ما که پانزده میلیون جمعیت دارد ، یک میلیون و هشتصد هزار آپارتمان مدرن ساخته شده است . شرایط داخلی و نمای خارجی آپارتمانها قابل رقابت با استانداردهای دزسطح بالا است . اهالی کشور ما یکی از شیک پوش ترین مردمان جهان هستند .

هدف همین کنگره با تجزیه و تحلیل همه جانبه پیشرفت اجتماعی با مسئولیت تمام یادآور شد که

چکسلواکی به نیمه دوم سالهای ۸۰ بنزله کشوری با ثبات ، از لحاظ سیاسی نیرومند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته گام نهاد . اهالی چکسلواکی اینک به سطح زندگی مادی و معنوی بالایی دست یافته

ولی و ویژگی کمونیست ها در برخوردشان بواقعیت عبارت از این است که آنها به خاطر جمعی بر اساس تن در نمیدهند . از تریبون کنگره اینطور اظهار نظر شد که دست آورد های ما میتوانستند چشمگیرتر باشند . گفته شده که پروسه های پیشرفت اقتصادی ، رشد بازدهی کار و تعمیم تازه ترین اکتشافات علم و دانش خیلی به کندی جریان مییافت . این کندی را بطور عمد ناشی از علل ذهنی میدانستند که اساساً به عرصه مدیریت مربوط میگردد . جریان امر بدین قرار است که طرز تفکر و رفتار و کردار برخی از کارکنان عرصه مدیریت ، متأسفانه هنوز هم در بسیاری از موارد همانگونه که در دوران تجدید تولید با توجه به کمیت بود ، باقی مانده است . در آنتهنگام گسترش تجدید تولید در درجه اول و ایسته به افزایش حجم مواد خام و انرژی مورد استفاده و جلب تعداد هرچه بیشتری از افراد و بهره برداری از قدرتهای تولیدی جدید و جدید تر بود . ولی تشدید تولید نیازمند شیوه های کار کاملاً متفاوتی است . مجمع حزبی به تشدید تولید و خواسته های آن توجه قدر اولی مبذول داشت .

کنگره مشی کلی استراتژیک تسریع پیشرفت اجتماعی را ، بقدم بر همه در عرصه اجتماعی - اقتصادی تصویب کرد . ترقی علم و تکنیک ، بالا بردن سطح تولید و سرمایه خشی اقتصاد کشور مطمئن ترین تکیه گاه برای تسریع پیشرفت اجتماعی است . ضرورت تسریع را نه فقط علل داخلی ، بلکه علل بین المللی هم الزام میکند . زیرا ، بنا بگفته و . ای . لنین " ما در انقلاب بین المللی بطور عمد به سیاست اقتصادی خود تأثیر میکنیم . . . در این عرصه مبارزه بقیاس جهانی در جریان است . اگر ما این وظیفه را انجام بدهیم ، آنوقت بطور قطع و کامل بقیاس بین المللی برنده شده ایم " (۱) .

تسریح برای این نیز لازم است که به رفاه و آسایش مردم هر چه بیشتر بپردازیم و اعتماد و اطمینان اجتماعی آنانرا استحکام بخشیم و امکان ارضاء نیازمندیهای شهروندان با کالاهای باکیفیت بیشتر را گسترش دهیم و شرایط کار و زندگی را بهبود بخشیم و مسائل محیط زیست را با جدیت بیشتری حل و فصل کنیم و علاقه به مصالح مردم و بهزیستی محوراصلی سیاست حزب را تشکیل داد و بپدید آمدن باید تأکید کنیم که در اینجا مقصود پیشرفت و تکامل همه جانبه شخصیت است و نه فقط منافع مادی.

انجام وظایفی که کنگره برای عرصه اجتماعیه معین کرده بدین معنی است که باید مصارف شخصی تا سال ۲۰۰۰ ۵۰ درصد افزایش یابد (البته با توجه به رشد قابل ملاحظه خواستههای اهالی در آنوقت) باید سطح تحصیلات و آلودگی فرهنگی انسانها و سطح بهداشت را بالا برد و باید یک میلیون و پانصد هزار آپارتمان ساخت و به نوسازی ساختمانهای قدیمی پرداخت و برای حفظ و سالمسازی محیط زیست کارهای زیادی انجام داد.

در عین حال میباید وسایلی برای سرمایه گذاران بهائی تهیه کرد که مقدم بر هر چیزی باید بحسب مدرن کردن زمینهای مادی - تکنیکی و تحقیق اشتراک با در هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی برسد. در عرصه خدمات هم میزان سرمایه گذاری افزوده خواهد شد. اینطور حساب کرده ایم که اعتبارات ویژه سرمایه گذاران بهائی از ۲۸ درصد درآمد ملی را تشکیل خواهد داد. برای تسویه حساب سریع اعتباراتی که از خارج گرفته شده و همچنین بمنظور گسترش امکانات کشور برای پرداخت وام به کشورهای دیگر هم هزینه بسیار لازم است. در مورد اخیر در درجه اول کمک ما به کشورهای در حال رشد در نظر گرفته شده است.

هزینه تقویت نیروی دفاعی جمهوری هم بجای خود حائز اهمیت است. تا زمانیکه امپریالیسم باقی است و بنابراین خطر جنگهای تجار و کارگزاران از طرف آن وجود دارد دفاع از دست آورد های انقلابی خلق یکی از عمده ترین وظایف کشور سوسیالیستی خواهد بود.

برای تحقق نیات و مقاصد بزرگ باید ضابطی را مورد بهره برداری قرار داد که بما امکان میدهد تا سال ۲۰۰۰ درآمد ملی را بیش از یکم افزایش دهیم. بالا بردن نسبت بازدهی کار و استفاده بهتر از مواد خام و انرژی از آنجمله است. در نظر گرفته شده است انرژی که بحسب ایجاد درآمد ملی برسد میزان یکم کاهش داده شود و ۴۰ تا ۵۰ درصد از مقدار فلزات سیاهی که در این عرصه صرف میشود کاسته گردد. در توازن سوخت و انرژی هم تغییرات بنیادی داده خواهد شد. بدین معنی که نقش انرژی اتمی و گاز طبیعی افزایش مییابد و از مقدار سوخت سنگین کم میشود. تحقق چنین تغییری در توازن سوخت و وظیفه سیاسی مهمی است. زیرا انجام آن از جمله کمک میکند بر دشواریهای جدی سالمسازی محیط زیست که آلودگی آتمسفر از جدی ترین آنها است. غلبه کنیم. پیش بینی افزایش مقدار گاز طبیعی که از اتحاد شوروی میگیریم از مهمترین شرایط لازم برای انجام این کار است. چون ما در ساختمان

شبکه گازرسانی " پروگرس " و پیشرفت صنایع گاز شوروی ذینفع هستیم در تحقق آنها: شرکت میکنیم .
انجام وظایف پرستولیت گاهن حجم مواد لازم برای تولید تا حدود زیادی وابسته به —
دگرگونی ساختارها ، بالا بردن سطح تکنولوژی صنایع و بهبود کیفی آنست . بهین سبب اکنون
به تولید ماشین آلات دقیق ، الکترونیک و مواد ساختمانی تازه توجه ویژه ای میدول میگردد . ما
باید در آینده از منابع مواد خام خود کاملتر بهره برداری کنیم ، مواد خام دست دوم را بیشتر مورد
استفاده قرار دهیم ، صنایع شیمیائی را پیشرفت دهیم و در عین گاهن حجم کل تولیدات تالسوژی
تولید پولاد های با کیفیت هرچه بیشتر را گسترش دهیم .

کشاورزی مانند گذشته از منی تأمین کشور با انواع عمده محصولات کشاورزی و تعمیق خلعت
صنعتی تولید پیروی خواهد کرد . در این رشته هم باید از سرمایه گذاری بطور شریخ تر استفاده
کرد ، کیفیت محصولات را بهبود بخشید و هزینه تولید را کاهش داد . بهبود کیفیت محصول در درجه
اول مربوط به محصولات است که بشکل خواربار واغذیه مورد استفاده اهالی است .

در جریان انجام برنامه های اقتصادی دراز مدت به این مسئله بویژه اهمیت داد ، میشود که
قاطمانه ترین گامها در همین دوران هشتمین برنامه پنجساله (سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۵) برداشته
شود . افزایش درآمد ملی بجزان ۱۸-۱۹ درصد از جمله آنها است . حداقل ۹۵-۹۲ درصد این
رقم باید بوسیله افزایش بازدهی اجتماعی کار بدون استفاده بیشتر از منابع انرژی ، مواد خام و غیره
انجام پذیرد .

کنگره راههای اساسی تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی طی پنجسال آینده را معین کرد .
راه انجام این کار ، ه قدم بهره رچیز ، پیشرفت قاطمانه تر اقتصاد کشور بر پایه ترقی علمی - تکنیکی و
تعمیم پیگیری دست آورد های آن در عمل (پراتیک) است . این وظیفه را کنگره حزب خواست زمان
و شرط عمده دست یافتن به سطح عالی - تکنیک و کیفیت تولیدات نامید . قصود از تصدید تولید ایجاد
تغییراتی در خود خلعت فعالیت و کار است ، نه فقط نوسازی پروسه های تکنیکی و تکنولوژیک . بطور
مثال با اتوماتیک کردن تولید دیگر به کارهای سخت جسمی که برای سلامتی زیان بخش است نیازی نخواهد
بود . سخت گیری در کار آمدگی و تخصص کارکنان و تجدید نظر در طرز تفکر تکنیکی و اقتصادی انسان
با وظایفی که در بالا شرح دادیم در ارتباط است . بدینوسیله میتوان در جستجوی معقول ترین و شمر
بخش ترین شیوه انجام وظایف تولیدی توفیق یافت . در ضمن امکانات زحشکشان هم برای کار سرد
استعداد و خلایق همه جانبه تر در کارهای خودشان گسترش میدهد .

کنگره تأیید کرد که برای ترقی علم و تکنیک نمیتوان فقط به بسیج حداکثر نیروی خود اتکا کرد .
باید آنچه را هم که همپیوندی پشانسیل علمی - تکنیکی و تولیدی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی
میتواند بدست بدهد کاملتر بحساب آورد . در این همپیوندی نقش اتحاد شوروی بزرگ است . بهین

سبب حزب ما برای تحقق مجموعه برنامه ترقی علمی - تکنیکی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی تا سال ۱۲۰۰ اهمیت فراوانی قائل است. در این برنامه نتایج کنفرانس اقتصادی در سطح عالی (سال ۱۹۸۴) پیشرفت و تکامل یافت. این برنامه شامل تعریف و توضیح ویژگیهای عمده مرحله کیفی تازه همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی است. هدف آن تأمین پیشرفت علوم و تکنیک و تولید در مهمترین جهات تا عالیترین سطح جهانی است. در ریزو این پیشرفت مواضع سوسیالیسم در مسابقه با دنیاى کهن استحکام می یابند. استقلال اقتصادی و تکنیکی جامعه نوین نیازی آن در ارتباط با امپریالیسم افزایش پیدا میکند و اختلالی همه جانبه بدون وقفه و باثبات این کشورها و پرابری پیگیر سطح پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آنها تسریع میگردد. مهمترین برتری نظام سوسیالیستی این است که پیشرفت و ترقی آن طبق برنامه ای انجام میگیرد که پایه و اساس آنرا پیشرفت موزون و برنامه ریزی شده اقتصاد متناسب یا خصلت های ویژه کشور تشکیل میدهد. از آنجا که در شرایط انقلاب علمی - تکنیکی قدرت نیروهای تولیدی با سرعت افزایش مییابد به اهمیت برنامه دولت بمنزله وسیله و ابزار اصلی اداره کشور هم افزوده میشود. چکسلواکی که دست اندکار تکامل مکانیسم اقتصادی است و همانند سایر کشورهای سوسیالیستی در جستجوی مؤثرترین اشکال مناسبات متقابل حلقه های مرکزی و پائینی تولیدی و مدیریت است. هدف این جستجوها ارتقاء سطح ابتکار مؤسسات و ذینفع شدن آنها در ارضای نیازهای تمام جامعه است. تحکیم انضباط دولتی و برنامه ای و بهبود شیوه های اداره امور اقتصادی در اینجا نقش مهمی ایفا میکنند. تکمیل سازماندهی و بهبود کیفیت کار، افزایش مسئولیت افراد و ابداع و ابتکار سوسیالیستی کادرها از جمله مسائل مربوط به بهبود شیوه های اداره امور است. برای اینکه حقوقها و دستمزدها عادلانه تر بشود و کمیت و کیفیت کار در آنها کاملتر بحساب آورده شود هنوز باید کارهای زیادی انجام گیرد.

ما این سخنان م. س. گورباچف را که در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ایراد کرده و پاسخگوی هدفها و مقاصد ما است کاملاً تأیید میکنیم: "حل و فصل مسائل تازه در اقتصاد بدون دگرگونی و دگرسازی عمیق مکانیسم اقتصادی و ایجاد سیستم کامل و شریک و ناهمراه امور کشور (مدیریت) که برای تحقق کاملتر امکانات سوسیالیسم شرایط فراهم آورد غیرممکن است" (۱).

تحکیم و بسط و تکامل اصل لنینی مرکزیت دموکراتیک را حزب کمونیست چکسلواکی پایه و اساس تکمیل سیستم مدیریت میداند. مقصود از این اصل تقویت ارگانهای مرکزی و بهبودی کار و فعالیت آنها هنگام حل و فصل مهمترین و عمده ترین مسائل و در همین حال گسترش استقلال و افزایش مسئولیت مؤسسات بر پایه خودکفائی است. چنین برخوردی هیچ وجه مشترکی با انواع نظریات "ویژه بازار" و تضعیف

۱ - م. س. گورباچف و گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و هفتمین

مناسبات مالکیت سوسیالیستی نقش رهبری حزب در اقتصاد ندارد . ما میکوشیم میان اختیارات و مسئولیت تمام حلقه های رهبری اقتصاد توافق ایجاد کنیم .

تکمیل امور مربوط به عرضه نرماتیف - تولیدی و استفاده از اهرمهای اقتصادی مانند قیمت ها و اعتبارات کاملاً مورد توجه ما است . ما در آینده نیز برای عملکرد قرارداد های اقتصادی بمنزله معیار مهم ارزیابی فعالیت مؤسسات در جهت ارضای نیازمندیهای جامعه ارزش هر چه بیشتری قائل خواهیم شد .

ساختمان سوسیالیسم پیشرفته از افزایش میزان ذینفع بودن انسانها در نتایج کار خود جدائی ناپذیر است . اصل سوسیالیستی " از هر کس بقدر استعدادش - بپر کس باندازه کارش " در نقطه بقابل گرایش های یکسان نگری در توزیع قرار دارد و بصحاحت عدالت اجتماعی است . این اصل قائل شدن تفاوت دقیق و روشن میان افراد تنبل و کسانی که بدکار میکنند و کارکنانی را الزام میکند که با مسئولیت کامل کار تخصصی و با کیفیت عالی به جامعه میدهند . وقتی از ذینفع بودن مادی بمنزله انگیزه شوی بخش کار در جهت درستی استفاده میشود و بطور پیگیر اعمال میگردد بلا واسطه مؤثر واقع گردیده و سبب میشود که افراد قریحه و استعداد های خود را کامل تر بروز دهند و از تجربه پیشرو بهره برداری کنند .

حزب کمونیست چکسلواکی در سیاست خود همچنین متکی به این اصل است که بارها در پراکتیک صحت آن با ثبات رسیده است : ابتکار و زحمتکشان و اشتراک آنان در رهبری و اداره جامعه نیروهای محرک پایان ناپذیر ترقی سوسیالیستی است . معنی و مفهوم دموکراسی سوسیالیستی در همین است که توده ها فعالانه تر به زندگی اجتماعی و به اداره امور کشور جلب شوند و تحقق حقوق و آزادیهای سیاسی هر یک از شهروندان بطور مداوم گسترش داده شده و ژرف تر گردد . دموکراسی ما نقشی زحمتکشان را تا تهیه و تدوین برنامه های دولت و تحقق آنها در تسریع ترقی علمی - فنی و استفاده معقول از مواد انرژی و وسائل مالی و منابع دیگر ارتقاء میدهد . تمام این وظایف کلکیوهای کار بطور مشخص بهنگام انجام تعهداتی که بمعهد گرفته اند . هنگام انجام مسابقه های سوسیالیستی و تحکیم انضباط و نظم و ترتیب به بهبود شیوه های اداره امور اقتصادی و شرایط کار و زندگی خود را نشان میدهند . اعتلای تازه ابتکارات کارگران در جریان برگزاری هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی و انجام جشن های ۶۵ سالروز بنیانگذاری حزب ما (در ماه مه) گواه علاقه کامل زحمتکشان به سیاست حزب ما بود .

برنامه ای که کنگره تصویب کرده بار دیگر تأیید میکند که حزب کمونیست چکسلواکی قادر است راه های مستدل علمی و واقع بینانه پیشرفت اجتماعی را که پاسخگوی منافع تمام زحمتکشان و طبقات و گبروه های اجتماعی است در دست و موقع و با توجه به نیروها و امکانات ما و ویژگیهای وضع داخلی و بین المللی

بگشاید. پیشروی در این راهها خواستههای تازه ای را در برابر خود حزب که نقش رهبری و متحد سازنده را در جامعه بعهده دارد، در برابر کار سیاسی - تربیتی آن و در این عرصه که کمونیست ها چگونگی سازمان اولیه و هر یک از اعضای حزب کمونیست چکسلواکی و بنا بر تأکید کنگره موظف است سطح و اثر بخشی فعالیت خود را بالا برده و افزایش دهد.

حزب ما اکنون مظهر نیروی عظیمی است. یک میلیون و شصصد هزار کمونیست در صفوف آن متشکل شده اند و این رقم نشان میدهد که از هر هفت شهروند چکسلواکی بالاتر از ۱۷ سال یک نفر عضو حزب است. سازمانهای حزبی در تمام بخشهای زندگی اجتماعی اشتراک میورزند. کنگره هفدهم به تشدید قدرت فعالیت حزب و استحکام یکپارچگی ایدئولوژیک و وحدت عمل آن و به گسترش حقوق و وظایف کمونیست ها و گسترش دامنه انتقاد و انتقاد از خود توجه ویژه ای میدول داشت. انتقاد و انتقاد از خود وسیله ایست که کارآیی خود را در تصحیح اشتباهات جدی و در مبارزه با ذهنی گزافی نشان داد. ما میگوئیم انتقاد و انتقاد از خود را باید تشدید کرد. این اقدام از جمله نیازمندی کاربرد مداوم آنها در زندگی روزمره است. زیرا نواقص گوناگون در عرصه های مختلف بروز میکند. البته، تمام تذکرات انتقاد آمیز و یا پیشنهادها را نمیتوان بدون درنگ تحقق بخشید. ولی این قبیل تذکرات و پیشنهادهای دارای ارزش زیادی میباشد. زیرا ما را متوجه میکنند که چه چیزی را باید مورد توجه بیشتری قرار داد. بنابراین این قبیل پیشنهادهای را باید در نظر گرفت و تصمیم داد. همچنین خواستههای عادلانه بسیاری مطرح میگردد که با آنها میتوان و باید بفوریت جواب داد و یا پذیرفت. اگر ارگانهای مربوط در این کار تأخیر کنند بهیچوجه بخشودنی نیست. در کنگره خاطر نشان شد که برخورد انتقادی باید سراسر کار حزب و دولت را از بالا تا پایین فراگیرد.

هاتوجه مداوم و شدید حزب بمسائل تأثیر ایدئولوژیک آن در توده ها و تلفیق کار سازمانی - تربیتی با خواستههای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و تحکیم وحدت حزب و مردم را بویژه مهم میدانیم. تغییراتی هم که در اساسنامه حزب کمونیست چکسلواکی بوجود آورده شده و مورد تصویب کنگره قرار گرفته در همین جهات است. هدف ما از این تغییرات کمک به ارگانهای حزبی بمنظور افزایش مسئولیت هر یک از کمونیست ها در کار سازمان خود و داشتن آنها به این است که در صفوف قدم مبارزان در راه تحقق هدفهای حزب قرار گیرند و در عمل کردن سیاست حزبی نمونه باشند. اساسنامه از کمونیستها میخواهد قاطعانه با نقض انضباط حزبی و دولتی و حیف و مهمل اموال جامعه و دولت و سهل انگاری و بی مسئولیتی و بوروکراتیسم و طرفداری از منافع تنگ نظرانه و محلی گزافی و با لابیگری و تمام آنچه مانع ساختمان سوسیالیسم است مقابله کند.

در مرحله کنونی و کار با کادرها را حزب از وظایف درجه اول بشمار میآورد. مسئله عمده در اینجا

این است که مقامات و پست های پرستیولیت به اشخاصی واگذار کرد که در کار خود و دیگران سخت گهرو جدی باشند و دارای استقلال عمل و قدرت خلاقیت باشند و از قبول مسئولیت نهراسند و به اشخاصی که قادرند مشی سیاسی حزب و دولت را تحقق بخشند و در مقابل دشواریها عقب نشینی نکنند و وظایف تازه را بدون گذشت و جسورانه انجام دهند . حزب بار دیگر اهمیت تدارک در کارها کادرها را خاطر نشان ساخت . هدف ما اینست که در تمام عرصه ها جوانان و کسانی که آینده بآنان تعلق دارد دهر بدو رفقای مجرب کار کنند و از آنها بیاموزند و از تجربه آنان استفاده کنند .

کنگره هفدهم برای نقش جبهه ملی بمنزله پایه و اساس سیستم سیاسی ما ارزش والا ای قائل شد . جبهه و تمام احزاب سیاسی کشور (۱) و سازمانهای اجتماعی را متحد میسازد و اعضای این احزاب و سازمانها در ساختمان جامعه نو بطور فعال شرکت میکنند . رسالت جبهه ملی کلمه به گسترش اشتراک خلقی شهروندان در اداره امور کشور و رهبری آن و در تحکیم شیوه زندگی سوسیالیستی است .

هسته مرکزی سیستم سیاسی ما حزب کمونیست است . حزب کمونیست چکسلواکی با برطرف ساختن تمام موانع دشواریها و تصحیح اشتباهات خود طی مدتی بیش از ۶۰ سال از منافع حیاتی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان دفاع میکند . حزب برغم تعقیب و پیگرد در نظام سرمایه داری مبارزه علیه بورژوازی و فاشیسم را بطور استوار و با اطمینان رهبری میکند . حزب در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن بمنزله نیروی تعیین کننده و در نوسازی جمهوری چکسلواکی عمل میکرد و سپس انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه نو را رهبری نمود . زحمتکشان بدون حزب کمونیست چکسلواکی نمیتوانستند در فوریه سال ۱۹۸۴ بر بورژوازی غلبه کنند و به سوسیالیسم کنونی دست یابند .

کمونیست های چکسلواکی بحق به گذشته خود افتخار میکنند و در عین حال میدانند که توانائی حزب در ایفای نقش پیشتاز خلق را از نوعاً باید با اثبات رسانند . فقط بدین ترتیب است که اعتماد توده ها به سیاست حزب تأیید و تحکیم میگردد . ساعی ما در راه تحقق مصوبات و قرارهای کنگره هفتم هم در خدمت به همین امر است . استقبال گسترده از قرارهای حزب از طرف مردم و کاری که با جدیت برای انجام وظایف کنونی آغاز گردیده و پشتیبانی از برنامه حزب از طرف انتخاب کنندگانی که نمایندگان در تمام سطوح برگزیده اند (در ماه مه سال جاری) همه تأیید معتبری بر درستی راهی است که انتخاب شده است .

کسانی که نمایندگی مجلس فدرال جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی و شورا های ملی چک و اسلواکی و کمیته های ملی محلی برگزیده میشوند که به امر سوسیالیسم وفادار باشند و بکار کردن علاقه نشان بدهند و از صفات عالی اخلاقی برخوردار باشند . با توجه به جهات عمده پیشرفت اجتماعی - اقتصادی

۱ - در چکسلواکی غیر از حزب کمونیست چکسلواکی چهار حزب دیگر هم فعالیت میکنند . هیئت تحریریه

چکسلواکی که با د نظر گرفتن توصیه های شهروندان به نمایندگان خود مشخص و کثرت میشوند و در هر ناحیه ای برنامه انتخاباتی ویژه آن تهیه شده است. در واقع امره این برنامه ها و برنامه های کثرت ساختمان آینده ما در روستاها و شهرها و ولایات و ایالات هستند که با موافقت توده های انبوه تکرار گردیده است. در ضمن و انتخاب کنندگان کاملاً حق دارند با استفاده از امکانات خود برای این نظارت کنند که نمایندگان برای انجام آنچه بتصویب رسیده و چه اقداماتی بعمل بیاورند و این بدان معنی است که برنامه زیر نظر و با کنترل توده ها انجام میگردد. یکی دیگر از مسائل مؤثر و موکراسی ما که تقویت کننده اطمینان مردم به دورنمای ترقی همه جانبه جمهوری است و بدینگونه عمل میکند.

در پایان یادآور میشویم که مسائل مربوط به مناسبات بین المللی که مبارزه در راه صلح و برطرف ساختن خطر جنگ هسته ای بخش اصلی آنرا تشکیل میدهد نیز در کنگره بطور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نمایندگان کاملاً مطابق عقیده مردم از پیشنهادات صلح اتحاد شوروی که با نیروی تازه ای از تریبون بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی طنین افکند و پشتیبانی بعمل آوردند. بلافاصله پس از پایان مجمع حزبی ما در آواریل زحمتکشان چکسلواکی از فراخوان کشورهای عضو پیمان ورشو خطاب به کشورهای اروپائی و ایالات متحده آمریکا و کانادا (در مورد مسئله ایجاد مناطق فاقد سلاح هسته ای در اروپا) استقبال کردند. این ابتکارات و ابتکارهای بسیاری دیگر جامعه کشورهای سوسیالیستی گواهی بر این است که کمونیست ها بمنظور تحقق امیدهای جامعه بشری به رهائی سیاره ما از خطر جنگ هسته ای و ایجاد چنان تمدنی که در آن روابط حسنه و همکاری صلح آمیز جزء موازین مناسب بین المللی باشد از صرف نیرو دریغ نمیورزند.

این هدف که پاسخوی منافع و تمایلات تمام نیروهای انقلابی و شرقی جهان است و در سیاست خارجی حزب ما و کشور ما همواره هدف عمده بوده و خواهد بود.

درواه سازندگی کمونیستی و صلح

گئورگی زاروفسکی

دبیر کل کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

از روزی که بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بکار خود پایان داد، زمان بسیار کوتاهی میگذرد. ولی هم اکنون بروشنی دیده میشود که چه اثر عمیق و پایرجائی در زندگی مردم شوروی بجاگذاشته و اندیشه ها و قرارهای آن چه تأثیر واقعاً عظیم و روزافزونی در فعالیت حزب ما و تمام مردم داشته و در آینده نیز خواهند داشت.

کنگره در شرایط چرخش تندى در تاریخ کشور جهان معاصر بطور کلی تشکیل شد. همین امر تا حد و در زیادی پیشاپیش تعیین کننده اهمیت ویژه و خصلت عملکرد و مضمون و سیاست سیاسی قرارها و اسنادی بود که در آنجا بتصویب رسید. بیست و هفتمین کنگره حزب مسئولیت شدید حزب در برابر مردم را برای حال و آینده کشور، ساختمان کمونیستی در اتحاد شوروی و تأمین صلح و امنیت بین المللی بطرز کاملاً معنی بنمونه ظهور رساند. کنگره با روح سنن لنینی و در محیط اصولیت حزبی و وحدت و تشدید جدیت و سختگیری و حقیقت بلشویکی و آشکار ساختن کامل نواقص و کوتاهی ها برگزارد کرد و تجزیه و تحلیل همه جانبه شرایط داخلی و خارجی پیشرفت جامعه شوروی را بدست داد. کنگره به پرسشهای مشخصی که جریان زندگی در برابر حزب و مردم مطرح ساخت پاسخ داد. به درک ماهیت و خود ویژگی و درونی که میگذرانیم یاری رسانید. افق های تازه الهام بخشی در برابر کشور ما گشود و برنامه عمل واقعبینانه را که عظمت هدفها و نقشه های حزب را با امید و آرزوهای میلیونها انسان بطور ارگانیک بهم می پیوندند تهیه و تدوین کرد.

گزارش م. س. گورباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی محور فعالیت کنگره بود. در گزارش فعالیت حزب و مردم شوروی و سراسر پیشرفت جهان طی ربع قرن که از تصویب سومین برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی میگذرد، از مواضع مارکسیستی - لنینیستی عمیقاً و بطور همه جانبه مورد بررسی قرار گرفته و جمع بندی شده بود. مسائلی که برای جامعه پیش آمده با صراحت کامل و آشکارا مطرح گردیده و مسائلی کلیدی شورویک و بینالمللی کمونیسم علمی بطور خلاق مورد مذاکره قرار گرفته و هدف

های برنامه ای حزب و استراتژی اقتصاد و سیاست آن مستدل شده بود. این سند کمونیست ها و تمام مردم شوروی را با بینشی روشن و وظایفی که در برابر آنها است مجهز ساخت. احکام و نتیجه گیریها و مواضع اصولی که در گزارش بیان شده با اتفاق آراء مورد پشتیبانی نمایندگان قرار گرفت و رویه گرفته پایه و اساس قطعنامه مشروحی را تشکیل دادند که تصویب رسید.

کنگره پس از بررسی همه جانبه برنامه تازه حزب و اساسنامه حزب کمونیست شوروی را با تغییراتی که در آنها بعمل آمده بود و همچنین سمت های اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۶ و برای دوران تا سال ۲۰۰۰ را تصویب کرد. بر اساس سنسن دموکراتیک حزب ما طرح های آنها برای بحث و بررسی در اختیار اعضای حزب و مردم قرار داده شد. این بحث و بررسی آشکارا نشان داد که مردم شوروی مشی سیاسی و سیاست داخلی و خارجی و برنامه های مشخص حزب را تأیید میکنند و از آنها پشتیبانی بعمل میآورند. بحث و بررسی امکان داد یقین حاصل کنیم که وظایفی که حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح میکند با تمایلات و اراده مردم کاملاً مطابقت میکنند و همچنین نشان داد که مضمون آن اسناد بسیار مهم در نتیجه در نظر گرفتن تجربه و نظریات توده های انبوه زحمتکشان غنی تر میشود.

گزارش سیاسی و قطعنامه ها و قرارهای کنگره پیرامون گزارش و برنامه تازه حزب کمونیست اتحاد شوروی و سمت های اساسی همه با هم نتیجه فعالیت تئوریک فراوان حزب و تجربه و تحلیل مارکسیستی - لنینیستی ژرف و سنجش گرایف های اساسی و نیازهای عین پیشرفت اجتماعی و پراتیک ساختمان کمونیستی و مجموعه اوضاع جهان است. اندیشه خلاق حزب و خود حکمت جمعی آن و پیش بینی علمی منظره پیشرفت و اعتماد را سخ به امکانات بی شمار نظام سوسیالیستی و خلاقیت سازنده توده ها در این اسناد بشکل تریکز یافته ای بازتاب یافته است. اهمیت تاریخی و نیروهای عظیم الهام دهند مویسیچ کنند و تمام اسناد کنگره در این است که در روزهای کمونیستی اتحاد شوروی و راهها که دست یافتن بسه حالت کیفی تازه ای در جامعه شوروی در آنها بدقت و روشنی معین شده است.

در واقع این پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که برای برگزاری چنین مجمعی و تهیه و تصویب قرارهایی بدین مقیاس و دامنه پایه ای نیک و استوار پی ریزی کرد. پلنوم نیروی تازه ای به تمام فعالیت حزب و مردم شوروی بخشید و برای جستجوی خلاق برخوردارهای تازه به حل و فصل مسائل بنیادی اقتصادی - سیاسی و اجتماعی شرایط فراهم کرد. از تریبون پلنوم درباره د شواریهای کار ما و کوتاهی هاشی که وجود داشته و درباره اقداماتی که برای رفع آنها باید بعمل بیاید از روی وجدان و با صراحت صحبت به میان آمد. پلنوم با توجه به نیازمندیهای عینی کمونیست نظریه تسریع در امر پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور را بمنزله شرط لازم برای ترقی هرچه بیشتر و همه جانبه جامعه شوروی و پیشروی در راه ایجاد گری کمونیستی ارائه کرد. این نظریه مورد پشتیبانی جدی کمونیستها و میلیونها

تن از زحمتکشان قرار گرفت. این اندیشه محور سرفعالیت حزب درد وران پیش از کنگره را تشکیل میداد و در مرکز توجه مجمع عالی حزبی قرار داشت. بعداً هم این اندیشه در گزارش سیاسی کمیته مرکزی و برنامه تازه حزب ما سنا به حزب و در سمتهای اساسی پیشرفت اقتصاد و اجتماعی شوروی در پنجساله اول و از ۳ تا پایان قرن حاضر تکمیل گردید و بطور مشخص تجسم پیدا کرد.

کنگره ملی اصلی سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و ملی تسریع ترقی اجتماعی - اقتصادی کشور و تحکیم صلح در روی زمین را بتصویب رسانید. نتیجه عمده سیاسی کار کنگره هم در همین است. م. س. گورباچف در کنگره اظهار داشت: " ما مبدانیم حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیشنهاد استراتژی تسریع چه مسئولیت بزرگی در برابر تاریخ بعهده میگردد و چه بار عظیمی را بدوش میکشد. ولی ما به ضرورت این استراتژی خاص یقین داریم. ما به واقع بینانه بودن آن اطمینان داریم. با اتکاء به امکانات بیشتر و برتریهای سوسیالیسم و به خلاقیت زنده مردم ما میتوانیم آنچه را در نظر داریم تحقق بخشیم."

تسریع و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی را حزب بمنزله ملی استراتژیک در ازم مدت خود بشمار میدهد که هدفش نوسازی بنیاد ملی مجموعه زیربنای مادی - تکنیکی کشور بر پایه دست آورد های انقلاب علمی - تکنیکی؛ تکمیل مناسبات اجتماعی و در درجه اول مناسبات اقتصادی؛ تغییرات زرف در مضمون و خصلت کاره در شرایط مادی و معنوی زندگی؛ تشدید فعالیت تمام سیستم نهاد های سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیک است. حزب با طرح نظریه تسریع پرورش و بطور معین مردم گفت به چه ترتیب و به حساب چه چیزی میتوان بدان دست یافت.

برای انجام این وظیفه باید: ۱ - ضمن تکمیل سیستم اقتصادی سوسیالیسم نسوری محرکه تازه و پرتوانی به رشد نیروهای تولیدی و ترقی علمی - تکنیکی بخشید و ذخائر عظیم اقتصاد کشور را بکار گرفت.

۲ - ضمن حفظ ارتباط نزدیک ارتقاء سطح رفاه و آسایش زحمتکشان با توجه همه جانبه به افراد و اجرای پیگیر اصل عدالت اجتماعی باید سیاست اجتماعی آگنیو و نیرومندی را اعمال کرد.

۳ - در جریان تعمیق دموکراسی و گسترش مداوم خودگردانی سوسیالیستی خلق و توسعه و تعمیم شیوه باخبرنگهداشتن مردم از جریان زندگی حزب و جامعه باید عرصه را برای ابتکار و فعالیت هر فرد زحمتکش باز گذاشت.

۴ - با حفظ ارتباط هر چه نزدیکتر کارهای ایدئولوژیک و سازمانی با نیازمندیهای واقعی زندگی باید این فعالیت را هر چه بیشتر در تمام مردم تحقّق بخشید و از آن بمنظور برطرف ساختن دشواریها و حل و فصل پراتیک مسائل استفاده کرد که ما در برابر خود داریم.

ملی اقتصادی و سیاست اجتماعی و مجموعه فعالیت پراتیک حزب در عرصه متشکل ساختن و بسیج

توده ها برای انجام وظایف زندگی کونیستی و تربیت ایدئولوژیک - سیاسی زحمتکشان همه تابع هدف هائی است که در بالا برشمرده ایم.

برای تسریع در ترقی اجتماعی - اقتصادی تغییرات زرفی و در درجه اول و در عرصه تعیین کننده فعالیت بشری یعنی در اقتصاد ما و افزایش شدید آهنگهای رشد آن ضرور است.

آهنگهای تند و سریع پیشرفت همواره از خصائص اقتصاد اتحاد شوروی بوده است. حزب ما و مردم با استفاده از برتریهای سیستم برنامه ریزی آن که آهنگهای رشد ثابت را تأمین میکند در زمانی از لحاظ تاریخی کوتاه در تمام زشته های ساختمان اقتصادی و اجتماعی به موفقیت های شایان توجهی دست یافتند. در کشور مجتمع بسیار پیشرفته اقتصاد خلقی بوجود آمده و پتانسیل پر قدرت تولیدی علمی - تکنیکی ایجاد گردیده است. کارهای متخصص طبقه کارگر و روشنفکران متخصص در رشته های مختلف علمی - تکنیکی پرورشی یافته که میتوانند بخرنج ترین مسائل را حل کننده طبق شاخصهای فراوانی در رشته های تولید و علوم و تکنیک اتحاد شوروی مواضع پیشرفته استواری در جهان دارد. نفت و گاز و چدن و فولاد و سمنت و کودهای شیمیائی و تراکتور و انواع بسیار دیگر فرآورده های صنعتی در کشور ما بیش از هر کشور دیگری تولید میشود.

ولی طی ده ساله اخیر برخی گرایشهای کاهش آهنگهای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بروز کرد. برای برطرف ساختن آن و دست یافتن به تسریع قابل ملاحظه رشد اقتصادی و تأمین اعتدالی اقتصاد کشور تا سطح تکنیکی و سازمانی - اقتصادی اصولاً تازه و افکندن آن در مسیر افزایش تولید و دست یافتن به بازدهی کار اجتماعی، کیفیت فرآورده ها و شمر بخشی تولید در سطح بالای جهانی و ایجاد بهترین ساختار ممکن مجتمع اقتصاد موزون و هم آهنگ واحد و افزایش چشمگیر درجه دستمجمعی شدن کار و تولید ضرور است. استراتژی اقتصادی حزب هم درست در همین سمت است و هدفهای عمده آن همینها است. هدف این استراتژی تأمین گذار به اقتصادی تا اعلی درجه سازمان یافته و شمر بخشی و نیروها تولیدی است که بطور همه جانبه پیشرفت کرده باشد. در نظر است تا آغاز قرن آینده ما به دو برابر کردن پتانسیل تولیدی در عین نوسازی بنیادی کیفی آن دست یابیم.

تسریع بنیادی ترقی در عرصه علم و تکنیک اساس استراتژی اقتصادی حزب است. وظیفه ای که در دستور روز قرار گرفته عبارت از تحقق بازسازی تکنیکی نوین اقتصاد کشور و نوسازی سریع دستگاه تولیدی بر پایه تکنیک پیشرفته و تأمین افزایش پتانسیل علمی - تکنیکی و بهره برداری شمر بخشی از آن است. در نظر گرفته شده است بر اساس تمام آنچه قید گردید به افزایش هر چه بیشتر بازدهی کار دست یابیم. قرار است در ظرف پانزده سال بازدهی کار ۲۳ تا ۲۵ برابر گردد و این بمنزله پیدایش مرحله مهمی در این عرصه خواهد بود. حزب کونیست اتحاد شوروی میکوشد از ترقی علمی - تکنیکی برای استفاده درست از منابع طبیعی و مواد خام و مصالح و سوخت و انرژی در تمام مراحل تولید و مصرف بهره

برداري کند .

اعتلای همه جانبه سطح تکنیک و کیفیت محصولات را حزب یکی از حلقه های مرکزی استراتژی اقتصادی خود بشمار میآورد . مقصود این است که این استراتژی آخرین دست آورد های اندیشه علمی را در خود تجسم بخشد ، با بالاترین حد خواسته های تکنیکی - اقتصادی ، استیک و سایر نیازهای مصرفی مطابقت کند و قادر به رقابت در بازار جهانی باشد .

تمام اینها نیازمند تغییر ساختار سیاست در سرمایه گذاری است . درکنگره براین نکته تأکید شده که ماهیت وضمون تغییرات عبارت از این است که توجه اصلی از شاخص های کمی به کیفیت وشریخی از مراحل بینابینی به نتایج نهائی ، از گسترش نهادهای تولیدی به نوسازی آنها و از افزایش ذخائر حرارتی مواد خام به بهبود استفاده از آنها و به تسریع در پیشرفت رشته هاییکه بیشتر با علوم سروکار دارند و انفرآستروکتورهای تولیدی واجتماعی معطوف گردد .

انجام وظایف نو در اقتصاد بدون بازسازی عمیق مکانیسم اقتصادی غیرممکن است . صحبت برسر افزایش چشمگیر شریخی این مکانیسم برپایه تحقق پیگیر اصول لنینی مرکزیت - دموکراتیک (که بیانگر وحدت هرد و مبنای آن باشد) هم بمنزله افزایش نقش رهبری متمرکز و هم گسترش قابل ملاحظه استقلال اقتصادی و مسئولیت مجتمع ها ، واحدها و مؤسسات است .

ستگیری اجتماعی اقتصاد هم درعین حال تقویت میگردد و چرخش سریع درجهت ارضای هرچه کاملتر مهارف و نیازهای فزاینده مردم شوروی بطور پیگیر تحقق مییابد . آنچه طبق استراتژی اقتصادی حزب باید انجام پذیرد ، در آخرین تحلیل ، برای تأمین اعتلای مداوم سطح زندگی مادی و فرهنگی زحمتکشان و پیشروی مستمر درجهت تأمین " رفاه و سهروزی کامل و پیشرفت آزاد و همه جانبه تمام اعضای جامعه " (۱) خواهد بود . این موضوع همیشه هدف برنامۀ گونه حزب بوده و هست .

سیاست اجتماعی حزب کومنیست اتحاد شوروی با استراتژی اقتصادی ارتباطی ناگسستگی دارد . حزب آنرا بمنزله وسیله نیرومندی برای تسریع پیشرفت کشور ، اعتلای فعالیت اجتماعی - سیاسی توده ها ، تشکیل انسان نو ، تثبیت شیوه زندگی سوسیالیستی و عامل مهم ثبات سیاسی کشور بشمار میآورد . وظایف اساسی سیاست اجتماعی عبارت از بهبود مداوم شرایط زندگی و کار مردم ؛ تحقق هرچه کاملتر اصل عدالت اجتماعی در تمام عرصه های مناسبات اجتماعی ؛ نزدیک ساختن طبقات و گروهها و قشرهای اجتماعی ؛ برطرف ساختن تفاوتهای جدی میان کار جسی و فکری و میان شهر و روستا ؛ تکامل مناسبات ملی و تحکیم دوستی برادرانه تمام ملل و خلقهای کشور است .

هدف عبارت از این است که رفاه و سهروزی مردم شوروی را بمرحله کیفی تازه ای ارتقا داد و چنانچه سطح وساختاری در عرصه صرف نعمت های مادی ، اجتماعی و فرهنگی تأمین کنیم که به بهترین وجهی

پاسخگوی تشکل شخصیتی باشند که بطور موزون رشد یافته و افزایش معنوی برخوردار باشد . هدف دیگر ایجاد شرایط برای بروز هرچه کاملتر استعدادها ، قریحه ها و قدرت فکری هر یک از افراد است . در نظر گرفته شده است که طی همین پانزده سال آینده حجم ذخایر ویژه رضای حوائج مردم دو برابر شود .

حزب ما برای افزایش جنبه خلاقیت کار و خصلت جمعی بودن آن و بالا بردن سطح فرهنگ کار اهمیت فراوان قائل است . حزب برای دست یافتن بدین مقاصد پیروی پیگیر از روشی کاهشی چشمگیر کار دست و گاهی و گاه منفی و تدریجی کار جسی و کم ثمر بیکواخت و بدون تخصص را ضرور میدانند . در نظر است که تا سال ۲۰۰۰ از کار دستی در عرصه تولیدی ۱۵ تا ۲۰ درصد کاسته شود . به نسبت گسترش امکانات اقتصادی کشور درآمد واقعی اهالی افزایش خواهد یافت . تصور می رود در آمد واقعی مردم طی ۱۵ سال ۱٫۶ تا ۱٫۸ بار افزایش یابد . تکامل سیستم و افزایش دستمزدها و حقوق کارکنان و کارمندان ، ارتقاء و بهبود تقسیم فوند های اجتماعی به این جریان یاری می رسانند . صحبت همچنین بر سر این است که ما به رضای کامل نیاز روز افزون اهالی به کالا های متنوع و با کیفیت عالی و تأمین پیشرفت هرچه بیشتر بازرگانی و تغذیه اجتماعی و ایجاد عرصه خدمات مدرن دست یابیم . تسریع در حل مسئله مسکن را حزب از اموری میدانند که دارای اهمیت اجتماعی است . تا آغاز سال ۲۰۰۰ هر خانواده شوروی عملاً خانه جداگانه ای خواهد داشت که بصورت آپارتمان یا خانه شخصی خواهد بود . طی پانزده سال آینده در حدود دو میلیارد متر مربع زمین برای ساختمان خانه و مسکن اختصاص داده خواهد شد .

مجموعه گسترده ای از تدابیر بمنظور تقویت سلامتی مردم شوروی ، بهبود وضع زنان بچه دار ، رضای کاملتر نیازمندیهای جوانان و همچنین بهبود وضع زندگی اشخاصیکه سابقه زیاد دی در کار دارند و نظایمان که پنجاه سال هم در نظر گرفته شده است .

توجه مداوم به حل و فصل مسائل اجتماعی مربوط به کار ، وضع زندگی ، فرهنگ و مصالح و نیاز های مردم را حزب قانون فعالیت تمام ارگانهای دولتی و اقتصادی و سازمانهای اجتماعی بشمار می آورد . حزب کونیست اتحاد شوروی بر این عقیده است که تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور بدون گسترش همه جانبه دموکراسی سوسیالیستی و تکمیل سیستم سیاسی جامعه غیر ممکن است . حزب کوشش خود را در راه تأمین تحقق هرچه بیشتر خودگردانی سوسیالیستی خلق بکار میبرد و نیروی عمده و ضامن انجام این پروسه است .

حزب با پیروی از سخنان و و ای . لنین که " سوسیالیسم زنده و خلاق ، ایجاد شده خود توده های مردم است " (۱) استفاده شریخی از تمام اشکال دموکراسی بلاواسطه و انتخاباتی (نمایندگان

منتخب مردم - مترجم) و گسترش بدون وقفه اشتراك توده های مردم در تنظیم و تصویب و تحقیق تصمیمات دولت و غیره را مسئله ای بس مهم بشمار می آورد. بر همین مبنا در گزارش سیاسی کمیته مرکزی و سایر اسناد کنگره ست های عمده تکامل سیستم سیاسی جامعه و تدابیر لازم برای تشدید فعالیت شوراهای نمایندگان خلق و اتحادیه های صنفی و کسومول و تمام سازمانهای اجتماعی، و کلکتیوهای کاروکنترل مردم معین شده است.

ایجاد سیستم گزارش دهی کمیته های اجرائیه شوراهای دادگاهها، وزراء و رهبران و مدیران سایر ارگانهای اداره کشور و بطور منظم و شمر بخش به کلکتیوهای کار و مجامع اهالی و استفاده از اشکال مختلف کنترل کار دستگاها ای اداری از طرف زحمتکشان ضروری تشخیص داده شده است.

کنگره گسترش دائره مسائلی را که ارگانهای دولتی فقط یا شرکت یا توافق قبلی سازمانهای اجتماعی مربوطه میتوانند حل و فصل نمایند و واگذاری حق جلوگیری از انجام تصمیمات ادارات در برخی از موارد ویژه را برای افزایش هرچه بیشتر نقش اتحادیه های حرفه ای و کسومول و اتحادیه های کسانیکه به کارهای خلاق اشتغال دارند و جمعیت های داوطلبانه اهالی و سازمانهای زنان ضرور دانست.

حزب ما به پیشرفت تمام اشکال دموکراسی بلاواسطه و مقدم بر همه افزایش نقش کلکتیوهای کار و ایجاد جبهه مقابل سوسیالیستی و کاربری در آنها و پرورش این حس در زحمتکشان که صاحبان واقعی و با حقوق کامل تولید هستند توجه ویژه ای مبذول میدارد. در ارتباط با این موضوع بهیچوجه نباید نگاه تحقیق پر اتیک اصول و موازین دموکراتیکی که در قوانین مربوط به کلکتیوهای کار تثبیت شده و گسترش دائره مسائلی که تصمیمات کلکتیوهای کار در باره آنها قطعی خواهد بود و افزایش نقش جلسات عمومی کارگران و کارکنان بشکل وظیفه ای مطرح شده است. از پیشنهاد مربوط به ایجاد شوراهای کلکتیوهای کار و همچنین گسترش تدریجی انتخاباتی بودن مدیران و رؤسای مؤسسات هم پشتیبانی بعمل آمده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تکمیل هرچه بیشتر پراتیک بحث و بررسی همگانی و مراجعه به آراء عمومی در مورد مسائل بزرگ زندگی کشور و بحث و بررسی پیش نویس قرارها و تصمیمات شوراهای محلی از طرف اهالی اهمیت زیادی قائل است و استفاده بهتر از سایر کانال های گسترش دموکراسی بلاواسطه مانند جلسات اهالی و توصیه و سفارشات انتخاب کنندگان و مطبوعات و رادیو و تلویزیون و نامه های زحمتکشان و تمام وسائل بروز افکار عمومی را بسیار اهمیت میداند. در ضمن گسترش باخبر نگه داشتن مردم از جریان فعالیت ارگانهای دولتی و غیره و مطلع نگه داشتن مردم از تصمیماتی که آنها میگیرند و از جریان اجرای آن تصمیمات هم حائز اهمیت اصولی است.

حزب تصمیمات کنگره را در جهت تحکیم مداوم پایه های حقوقی زندگی دولتی و اجتماعی و مراعات کامل قوانین و تعمیم حقوق و آزادیهای انسان شوروی و تشدید ضمانت آنها را مورد توجه قرار خواهد

بسیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خصلت واقعاً انترناسیونالیستی حزب ما را با وضوح بیشتری نشان داد . م . م . گورباچف ضمن سخنان خود در جریان پذیرش از میهمانان خارجی در کرملین تلگید کرده که حزب لنین دست اندرکار حل و فصل هر مسئله داخلی و خارجی هم که باشد همواره خود را بخشی جدائی ناپذیر تمام نیروهای انقلابی و دموکراتیک و مترقی بشمارد . او گفت : " ما متوجه این هستیم که هرگونه موفقیت یا پیروزی ما در مبارزه در راه هدفها و آرمانهای اکبر پتانسیل صلح و ترقی اجتماعی را تقویت میکند . "

حزب کمونیست اتحاد شوروی تحکیم همه جانبه دوستی و بسط و تکامل روابط اتحاد شوروی با کشورهای های جامعه کشورهای سوسیالیستی را نخستین وظیفه انترناسیونالیستی خود بشمارد . کنگره با قید اینکه در مناسبات با کشورهای برادر پس از پلنوم آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کیفیات مثبت تازمای بروز کرد بار دیگر تأکید نمود که همکاری احزاب کمونیست حاکم و تکمیل و توسعه شیوه ها و اشکال این همکاری که امکان میدهد درباره مجموعه مسائل ساختمان سوسیالیستی شوروشور بعمل آید و هسته اصلی همکاری سیاسی آنها را تشکیل میدهد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی طرفدار مناسبات باز و آشکار با تمام احزاب کمونیست و تمام کشورهای سیستم سوسیالیستی جهانی است و از هرگامی در راه نزدیکی آنها و هر تغییر مثبتی در مناسبات میان آنها استقبال میکند . در قطعنامه ای که در مورد گزاره سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب کنگره رسیده از صهبود معنی که در مناسبات مقابل اتحاد شوروی با همسایه بزرگش یعنی چین سوسیالیستی پدید آمده با خرسندی یاد شده است . در آنجا خاطر نشان میگردد که صرف نظر از اختلاف در برخورد به یک سلسله از مسائل بین المللی و ذخائر عظیمی برای همکاری دو کشور وجود دارد و دو کشوری که گرامین ترین چیزها یعنی سوسیالیسم و صلح برای خلقهایشان جداش ناپذیر است .

کنگره با بررسی مسائل جنبه جهانی کمونیستی و کارگری قید کرد که شرایط کار کمونیست ها بسرعت تغییر میکند و مسائل تازه ای پدید میآید که حل و فصل آنها نیازمند مهارت تجدید نظر در بسیاری از مسائل و بر پایه آموزش مارکسیستی - لنینیستی و در نظر گرفتن کامل و دقیق واقعیات عینی است . یکی از این مسائل تنوع جنبه کمونیستی است که موضوعات مختلف آن در برابر احزاب و سازمانهای جنبه قد علم میکنند . این امر گاهی به اختلاف نظر و عدم توافق من انجامد . حزب کمونیست اتحاد شوروی این واقعیت را که میان احزاب کمونیست همواره درباره تمام مسائل وحدت نظر کامل وجود ندارد دراماتیزه نمیکند و تنوع را مترادف با تفرقه در جنبه بشمارد . حزب ما در آینده نیز بطور همه جانبه به تحکیم همبستگی طبقات و همکاری احزاب کمونیست و کارگری سیاره با حقوق برابر (بخاطر صلح و سوسیالیسم یعنی مسئله عمده ای که آنها را متحد میسازد) کمک خواهد کرد .

در بیست و هفتمین کنگره حزب طیف فوق العاده گسترده ای از احزاب انقلابی - دموکراتیک و سوسیال دموکراتیک و لیبرالست نمایندگی داشت و شرکت کنندگان در جریانها و جنبشهای اساسی اجتماعی ضد جنگ حضور داشتند . همستگی بدون تزلزل و انحراف حزب کمونیست اتحاد شوروی با نیروهای آزادی ملی و اجتماعی و ملی آن در جهت همکاری نزدیک با کشورهای دیگر دارای ستگیری سوسیالیستی میباشند و همچنین جنبش عدم تمهید در جریان کارکنگره بطرز رخشان آشکار شد . بطوریکه پراتیک نشان میدهد و با وجود اختلاف نظرهای ایدئولوژیک عمیق میان کمونیست ها و سوسیال دموکراتها ، آشنائی بدون پیشداوری با موضع و نظریات یکدیگر برای هر دو و قدم بر هر چیزی در زمینه تشدید مبارزه در راه صلح و امنیت بین المللی و سودمند است .

حزب ما یقین دارد که گرایش به تغییر تناسب نیروها در عرصه بین المللی بسود صلح و خرد و حسن نیت گرایشی پایدار و اصولاً بازگشت ناپذیر است . نیروهای صلح و ترقی در سراسر جهان قادرند خطر جنگی را که از امپریالیسم ناشی میشود خنثی کنند و خزش دنیا بسوی پرتگاه جنگ هسته ای را متوقف سازند و از مبدل شدن فضای کیهانی به میدان نبرد جلوگیری کنند .

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به این نتیجه رسید که دارای اهمیت تئوریک و پراتیک است : در شرایط کنونی نه فقط جنگ هسته ای ، بلکه مسابقه تسلیحاتی را هم نمیتوان برد و پیکار میان سرمایه داری و سوسیالیسم فقط بشکل مسابقه سلامت آهیز و رقابت سلامت آهیز میتواند جریان یابد . کنگره تأکید کرد که به همین سبب سمت اصلی فعالیت حزب در عرصه بین المللی مبارزه علیه خطر هستمائی و مسابقه تسلیحاتی و مبارزه برای حفظ و تحکیم صلح عمومی خواهد ماند .

تجزیه و تحلیل خلاق وضع پیشرفت جهان کنونی و دورنمای آن حزب کمونیست اتحاد شوروی را به این نتیجه رساند که جستجوی راههای همکاری نزدیک تر و مبرمتر با دولتها و احزاب و سازمانها و جنبشهای اجتماعی که واقعاً نگران سرنوشت صلح در روی زمین هستند و همکاری باتمام خلقها بخاطر ایجاد سیستم جامع امنیت بین المللی از ضروریات است . کنگره اساسهای اصولی چنین سیستمی را فورمول بندی کرد که در آن برای نخستین بار جنبه های نظامی ، سیاسی و اقتصادی و بشری و ستانه در یکجا جمع شده است . این اساسها را بحق در جهان بمنزله سخنی نو در سیاست بین المللی ارزیابی کرده اند . آنها بطور منطقی از مواد برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ناشی میشوند و با ابتکارهای مشخص در عرصه سیاست خارجی مطابقت میکنند . اعلامیه دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ یکی از مهمترین این ابتکارات است . در آن اعلامیه اتحاد شوروی پیشنهاد کرده که مسائل خلع سلاح با توجه به مجموعه آنها برخورد شود و مقدم بر هر چیز مسئله از بین بردن سلاح هسته ای و سایر سلاحهای نابودی جمعی بررسی گردد . صحبت پسر اقداس مرحله بمرحله است کسه بدقت زمان بندی شده باشد . کنگره نشان داد که مبارزه در راه تحقق برنامه ای که در اعلامیه پیشنهاد

شده باید سمت اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی در سالهای آینده باشد .

مشى بين المللى اتحاد شوروى از سرعت بشردوستانه جامعه سوسياليستى نشئت ميگند . اين مشى با وظائف بنيادى استراتژيك حزب در داخل کشور ارتباط ناگسستنى دارد و بيانگر تمايل بلااستثنائى تمام مردم شوروى به پرداختن به کار سازنده و زيبستن در صلح با همه خلقيها است . بيست و هفتمين کنگره حزب هم بار ديگر بيطرز قانع کننده اى جدائى ناپذيرى سوسياليسم صلح و صلح و سازندگسى را نشان داد .

تمام فعاليت حزب ما همزمانه هاى كه براى آينده در نظر گرفته بطور يقينى بر اين گواهى ميدهند كه بمنزله پيشتاز واقعى خلق عمل ميگند . در شرايط تاريخى تازه ، زمانيكه مسائل پرسئوليتى در برابر کشور مطرح گرديده نقش رهبرى كننده حزب كميونست اتحاد شوروى در زندگى جامعه شوروى قانونبنده افزايش مييابد . اين موضوع مشروط به عوامل عيضى داخلى و خارجى است كه در برنامه تازه حزب بروشنى مشخص شده اند و در سياست آن و كار مستمر رهبرى ساختمان كميونستى همواره در نظر گرفته ميشود . تمام اسناد كنگره براى اين پایه استوار است كه فقط حزبى كه زندگيش وقف مصالح مردم است و داراى دورنماى علمى مستندلسى مييابد و با اقداماتش اين اعتماد را ايجاد ميگند كه به پندفهاى كه در برابر خود دارد دست خواهد يافت قادر است عوامل تسريع را بسج كند . حزب در صورتى ميتواند وظائف تازه را با موفقيت انجام دهد كه در پيشرفت مداوم باشد ، از عقده " خطا ناپذيرى " آزاد باشد ، به نتايج اقدامات خود برخوردارى انتقاد آميز داشته باشد و آنچه را كه در آينده بايد انجام دهد بروشنسى ببيند .

مرحله كوني كه مرحله دگرسازى كيفى جامعه است از ضرورت افزايش مداوم سطح فعاليت سياسى و سازمانى وايدئولوژيك حزب در ميان توده ها و تكميل سبك و شيوه كار حزب در عرصه رهبرى ساختمان كميونستى ناشى ميگردد . اين امر نيازمند نوسازى تمام فعاليت هاى حزب است . ماهيت اين نوسازى عبارت از اين است كه همسازان حزب فعالانه در راه تحقق مشى حزب مبارزه كند و فعاليت آن با جويتنگ و خلاقيت توأم باشد . انجام چنين كارى فقط با كوشش هاى تمام كميونست ها ، در راه گسترش همه جانبه دموكراسى درون خود حزب و تحقق اصل رهبرى جمعى در تمام سطوح ، استفادۀ وسيع از انتقاد و انتقاد از خود ، كنترول و برخوردى با احساس سئوليت به كارها امكان پذير است . قرارهاى كنگره ، مواد برنامه تازه حزب ويزه مسائل ساختمان حزبى و تغييراتى كه در اسانامه حزب كميونست اتحاد شوروى بوجود آمده همه در جهت تاين اين دگرسازى است . آنها اصول بلشويكى ساختمان حزبى و سبكها و شيوه هاى كار حزبى و موازين اخلاقى رفتار كميونست ها را كه لئين تهيه كرد و در عمل مورد آزمايش قرار گرفت تثبيت نمود و تكميل ميگند . حزب كميونست اتحاد شوروى شرط لازم براى موفقيت تمام فعاليت خود را مراعات بدون قيد و شرط آنها ميداند .

بسط و تکامل حزب در مرحله کنونی (آنچه که کنگره هم بروشنی نشان داد) بارشد و تحکیم هر چه بیشتر صفوف حزب و تکامل مناسبات درون حزب، بر اساس اصل مرکزیت در مکتوباتیک مشخص میگردد .
 نیروی حزب مرتباً افزایش مییابد و ریشه های آن در تمام قشرهای اهالی هرچه محکتر میشود .
 طی پنجسال گذشته به تعداد اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی تقریباً ۱٫۱ میلیون نفر افزوده شد و حالا در صفوف خود بیش از ۱۹ میلیون نفر عضو دارد . ترکیب اجتماعی حزب شامل ۴۵ درصد کارگر ۱۱٫۸ درصد کلبخوزچی و ۴۳٫۲ درصد کارمندان است که بطور عمده نمایندگان مهندسان ، تکنیسین ها و روشنفکران ایجاد کرده دانشمندان و کارکنان آموزش و پرورش و بهداشت و فرهنگ (تأثیر سینما و موسیقی و تفریحات سالم وغیره) میباشد .

بطور کلی تشکیل ترکیب حزب و رشد صفوف آن طبق موازینی که تعیین شده انجام میگردد . حزب کمونیست اتحاد شوروی لازم میدانند که در ترکیب اجتماعی آن کارگران سهم اصلی و عمده را دارا باشند . این هم کاملاً با سرشت طبقاتی و خصالت خلقی حزب مطابقت میکند . کارگران ۵۹ درصد ، یعنی اندکی کمتر از $\frac{1}{4}$ تمام کسانی را که به عضویت حزب پذیرفته میشوند تشکیل میدهند . طی پنجسال اخیر صفوف حزب کمونیست را افرادی تشکیل کرده اند که ۲۶ درصد شان متخصصین در رشته های گوناگون اقتصاد کشور میباشند ، جوانان $\frac{1}{5}$ و زنان تقریباً $\frac{1}{3}$ تمام افرادی هستند که اخیراً به حزب پذیرفته شده اند . کنگره ضمن یادآوری تغییرات مثبتی که در ترکیب حزب روی داده و تمام سازمانهای حزبی را متوجه بهبود هرچه بیشتر کاربند برهمن به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی کرد و توجه مداوم به پاکیزگی صفوف حزب و حفظ آن از عناصر تصادفی را همانند وظیفه ای مطرح نمود . کنگره بر اهمیت مبارزه مستمر و خستگی ناپذیر برای حفظ سیاسی پاک و شریف عضو حزب تأکید ورزید . حزب کمونیست اتحاد شوروی در تصمیم خود مبنی بر افزایش همه جانبه مسئولیت اعضای حزب و طلب هرچه جدی تر مراعات انضباط حزبی و اجرای بدون قید و شرط مقررات اساسنامه از طرف هر یک از آنها متکی بر این اصل است که نقش پیشتاز انتزاعی وجود ندارد و این نقش در کارهای پراتیک نمودار میشود .

کنگره تمام ارگانهای حزبی را متوجه مراعات و تحکیم همه جانبه اصل رهبری جمعی کرد . حزب این را بهترین شرط لازم برای زندگی سالم هر سازمان حزبی و گرفتن تصمیمات سنجیده و مستدل میدانند . حزب میکوشد نقش پلنوم ها و بوروهای کمیته های حزبی و جلسات حزبی را بمنزله ارگانهای رهبری هر چه بیشتر افزایش دهد و در آنها محیط بحث و بررسی آزاد و کارساز بوجود آورد .

بطوریکه در گزارش سیاسی کمیته مرکزی خاطر نشان گردید ، اگر ما کار کردن بشیوه نورا یاد نگیریم نمیتوانیم یک گام هم بجلو برداریم و ما نخواهیم توانست برچهود فکری و کهنه پرستی و محافظه کاری با تمام مظاهر آنها غلبه کنیم ، اگر شجاعت ارزیابی هشیارانه وضع موجود و دیدن واقعیات چنانکه هست یا ناهیدن اشیاء بنا بر خود و قضاوت صحیح درباره همه چیز را از دست بدهیم ، در ارتباط با این وضع

حزب ضرورت گسترش و تکامل انتقاد و انتقاد از خود، تشدید مبارزه با ظاهرسازی و اغراض پس مسورد و خود فحش را یاد آور شد. خواسته شده است که هیچ سازمانی نباید بدون کنترل یا برکنار از انتقاد بماند. نباید رهبرانی وجود داشته باشند که از مسئولیت حزبی مضمون باشند. این خواست در برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی و در اساسنامه حزب ما گنجانده شده و از این به بعد قانون خلل ناپذیر تمام فعالیت های حزب و هر یک از سازمانهای آن می باشد.

در کنگره توجه فراوانی به مسئله تکامل سبک کار مبذول گردید. سبکی که اکنون برای ما لازم است مشخص بودن کار، کاربوری، پیگیری و وحدت حرف و عمل و انتخاب مؤثرترین شیوه ها و وسائل و در نظر گرفتن دقیق عقاید مردم و هم آهنگ ساختن ماهرانه اقدامات، تنظیم نیروهای اجتماعی است. حزب مصرا نه درصد دست یافتن بدین است که در کار حزبی و در تمام عرصه های اداره امور اقتصادی و دولتی درست چنین سبکی هر چه استوارتر تثبیت گردد. در این زمینه نقش پر مسئولیتی بعهده سازمانهای اولیه حزبی است که اکنون تعدادشان در حزب کمونیست اتحاد شوروی بیش از ۴۴۰ هزار است. کنگره کمیته های حزبی را موظف ساخت همواره به آن سازمانها تکیه کنند و در کارها از خود استقلال عمل نشان دهند و بکوشند تا در هر سازمان حزبی زندگی سرشار از تکاپو و فعالیت باشد و زندگی که بتوان با خیر و مطلع نگهداشتن اعضای حزب از امور حزبی و احساسات انسان دوستی و سخت گیری در انجام وظایف از طرف کمونیست ها بطور متقابل و علاقه و توجه مداوم آنان به کار مشترک همگان را از وجوه تمایز آن بشمار آورد.

حزب تکامل و شریخی کار رهبری و انجام موفقیت آمیز تمام وظایف را با بهبود هر چه بیشتر کار با کارها و بالا بردن همه جانبه سطح فعالیت و میزان مسئولیت آنها بطور گسست ناپذیری ارتباط میدهد. در این اواخر کارها در بسیاری از بخش های فعالیت حزبی و دولتی و اقتصادی تقویت گردید و اندک کارکنان جدید و با انرژی و جوان امروزی برای انجام وظیفه در مقامات حساس و پسر مسئولیت برگزیده شده اند. کنگره با تفاق آراء تداوم را مورد تأیید قرار داد که کمیته مرکزی برای بهبود ترکیب کیفی کارها و تعویض افرادی که وجهه و اعتبار خود را از دست داده اند ویا از خواستهای دوران معاصر عقب مانده اند تصویب کرد. بود. کنگره همچنین تمام سازمانهای حزبی را موظف ساخت در آینده نیز بطور پیگیر و مصرا نه نسبت به کارها سیاست اصولی لنینی گزینش و ارزیابی کارها با توجه به خصوصیات سیاسی و کیفیت کار و اخلاقیات آنان را اکیداً مراعات کنند.

حزب پیروی از شیوه تلفیق کار و تجربه کارکنان جوان و کار آزموده و تکمیل سازماندهی کار با کارها تهیه ذخیره قابل اطمینان برای ارتقاء به مقامهای بالاتر و تقویت سبک کار و باخبر نگهداشتن اعضای حزب هنگام حل و فصل مسائل مربوط به کارها را برای آینده هم ضروری پیشنهاد می آورد.

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی ماهیت رهبری حزبی با کمال دقت و روشنی بیان شده است. در

گزارش نشان داد که حزب رهبری سیاسی را تحقق می‌بخشد و در نمای عمومی و کلی پیشرفت را معین میکند. گزارش وظایف عده عرصه های اجتماعی - اقتصادی و معنوی را فرمول بندی میکند و مسئله گزینش و استقرار کادرها و کنترل عمومی را مورد بررسی قرار میدهد. درباره راهها و شیوه های حل مسائل مشخص اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی باید گفت در این عرصه ها به هر ارگان اداری و کلکتیو کار و به کادرهای رشته اقتصاد آزادی انتخاب گسترده ای داده شده است. ضمن تکمیل اشکال و شیوه های رهبری با اختلاط وظایف کمیته های حزبی با وظایف ارگانهای دولتی و اجتماعی قاطعانه مخالفت میکند.

* * *

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای کمونیست ها و تمام مردم شوروی اندیشه های تازه ای در برداشت و آنها را بارهنمودهای دقیقی مجهز کرد که نشان میدهد برای تسریع راه پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور چه باید کرد و چگونه باید عمل کرد. قرارهای حزب و برنامه های ساختمان سوسیالیستی که در نظر گرفته است از طرف اعضای حزب و مردم بگرم مورد استقبال قرار گرفتند و موجب اعتلای عمومی فعالیت های سیاسی و افزایش شور و شوق مردم در انجام کار گردیدند. اکنون حزب وظیفه خود را در این میند که تحقق پیگیر آنها را تأمین کند و انرژی نیات و مقاصد را به انرژی اقدامات مشخص مبدل کند.

بوروئی سیاسی کوتاه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تدابیر مشخصی در ارتباط با تحقیق قطعه نامه های کنگره بیست و هفتم و اساسهای گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره در نظر گرفته است. بوروئی سیاسی ضرورت پیوستن تمام حلقه های سیستم سیاسی شوروی را به کاری پرتحرک برای انجام وظایف پرداخته ای که کنگره در برابر حزب مطرح ساخته موجداً خاطر نشان ساخت. برای حل و فصل مسائل کلیدی پیشرفت اقتصاد و سیاست اجتماعی و ساختمان دولتی و کار ایدئولوژیک هم مجموعه تدابیر ضروری در نظر گرفته شده است.

از جمله قرار است در هر عرصه و در هر مؤسسه ای برنامه هایی برای نوساختن تولید درآینده تدوین گردد. گامهای لازم برای بهبود برنامه ریزی و تأمین تلفیق درست بیادی رشته ای و منطقه ای (محلی) اقتصاد کشور برداشته شود و قانونی درباره کیفیت محصولات تصویب گردد. به تحقق سیاست اجتماعی حزب هم توجه زیادی مبدول شده است.

بطوریکه م. س. گورباچف خاطر نشان ساخت که اگر مردم بی تفاوت بمانند و اگر ما نتوانیم فعالیت اجتماعی توده ها و شور و شوق کار را در آنها و یا انرژی و ابتکار آنها را برانگیزیم تک تک برنامه های ما انجام نیافته باقی خواهند ماند. سازمانهای حزبی با رهنمود قرار دادن این توصیه ها و دستورات به تبلیغ گسترده ای اسناد کنگره بیست و هفتم میان زحمتکشان پرداختند. تا بدین ترتیب مضمون و ماهیت تصمیمات کنگره را به فرد فرد مردم شوروی برسانند. سخن تنها برسر تشریح احکام

اصولی کنگره نیست و باید در سازماندهی تحقق قرار های آن هم توفیق حاصل گردد و به این سازمان دهی اکنون خصلت کاربری واقعی داده میشود .

تمام کمیته های حزبی و سازمانهای اولیه و کلکتیوهای کار ضمن بحث و بررسی نتایج کار مجمع عالی حزبی وظایف مشخص خود را هم تعیین میکنند و تدابیری اتخاذ و بمرحله اجراء میاورند که در جهت تحقق برنامه های سال جاری و برنامه پنجساله دوازدهم بطور کلی و تشدید تولید برپایه تعمیم دست آورد های علم و تکنیک و تجربه پیشرو و تحکیم انضباط و نظم و ترتیب و تشکل است . این اقدامات هم اکنون ثمرات خود را ببار میآورد و بشکل کاملاً مثبتی در نتایج ساختمان اقتصاد و فرهنگی تأثیر میکنند . بدین ترتیب اندیشه های کنگره هرچه عمیق تر در ذهن انسانها رسوخ میکنند و با تسخیر فکر و ذهن توده ها و بنا بگفته مارکس و به نیروی مادی عظیمی مبدل میشوند .

حزب ما مشکل تره متحد و یکپارچه و با قدرت رزم بیشتری با سیاست سنجیده برای درازمدت به دوران پس از کنگره گام نهاد . هر قدر هم دامنه وظایفی که در برابر حزب مطرح است وسیع باشد و هر قدر هم این وظایف بفرنج باشند و حزب عزم راسخ دارد با اتکا به پتانسیل عظیم جامعه سوسیالیستی و نیروهای خلاق توده ها تمام آنچه را که در نظر گرفته عملی سازد و آنچه را پیش بینی کرده تحقق بخشد .

در پارلمان در سندیگاها و در میان توده ها

سیمون ریچس ریورا

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست
بلیوی

در تاریخ سیاسی بلیوی مرحله تازه ای آغاز گردیده که با مرحله گذشته فرق جدی دارد. ۱۶ اوت سال ۱۹۸۵ را استگرایان به حاکمیت رسیدند و درنگ انجام برنامه های الیکارشی و امپریالیسم را آغاز کردند.

انتخابات فوق العاده (غیرنیتی) که تحت فشار ارتجاع حلی و واشنگتن انجام شده راه را برای پیدایش چنین چرخشی گشود. در جریان مبارزات انتخاباتی هیچیک از افراد ی که برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد شده بودند اکثریت مطلق آراء لازم را که قانون پیش بینی کرده نیاوردند (۱) کنگره ملی طبق موازین قانون اساسی از میان سه نامزدی که آراء بیشتری بدست آورده بودند یکفروا انتخاب کرد. این مقام را و پاس استنورو اشغال نمود. جنبش ملی انقلابی با استفاده از پشتیبانی تعدادی از احزاب و توفیق در تخریب مواضع او و بانسر پیروزی خود را تأمین کرد. در جریان انتخابی کفدر کنگره بعمل آمد (که در واقع امر تشریفات حقوقی چون وی معنائی است) کمونیست ها وسایر چسپ ها که از پیش اصولی خود پیروی میکردند اعلام داشتند: با دادن ورقه های سفید (بولتن های

۱ - بیشترین تعداد آراء را که ۲۸٫۵ درصد آراء بود سازمان عمل ملی دموکراتیک برهبری او بانسر که ارتجاع ترین سازمان کشور است بدست آورد (در سال ۱۹۷۱ بانسر کودتا کرد و دیکتاتوری فاشیستی خونینش برقرار نمود)؛ پس از آن جنبش ملی انقلابی برهبری و پاس استنورو ۲۶٫۴ درصد و ۸٫۸ درصد آراء را هم یکی از سه گروه بندی (که بیش از همه با سوسیال دموکراسی در ارتباط است) و از تجزیه جنبش انقلابی چسپ بوجود آمده اند بدست آورد.

پرونده) در واقع مخالفت خود را با فاشیسم و تمام اشکال مختلف رژیم های ارتجاعی بیان میکنند .

حزب کمونیست با تجزیه و تحلیل وضعی که پیش آمده اعلام داشت که ما با چرخشی به راست روبرو هستیم . جمع آمدن چند عامل موجب پیدایش چنین وضعی گردیده است . در درجه اول انتخابات خارج از نوبت بود که برخلاف قانون اساسی انجام گرفت ، سپس میلیونها پولی که بانسر و پاس استنسوی در جریان مبارزات انتخاباتی خرج کردند ، مغزشوئی جمعی اهالی با ایدئولوژیهای ارتجاعی و بالاخره مداخله مستقیم دولت امریکا و کمک ملین آن به طرفداران الیگارشی ، انواع جعل و تقلب و سایر اقدامات خلاف قانون هم نقش خود را ایفا کردند .

در محیط سوء ظن و بدگمانی ، دستپاچگی و افسردگی که در آستانه انتخابات بوجود آمده بود چپ ها موفق نشدند نه جبهه واحدی تشکیل دهند که قادر باشد اکثریت مردم را بسوی خود جلب کند و نه مانع از تحقق تدابیری گردند که ناقض حقوق انتخاباتی دهقانان بودند . حزب کمونیست و سایر سازمانهای مترقی که در انتخابات شرکت جستند یا در شوارشهای بسیاری مواجه شدند که دامنه امکانات هر یک از آنها را جداگانه و همه را یکجا تنگ تر کردند .

حزب کمونیست بلیوی پس از بررسی وضع سیاسی تازه ای که پس از اوت سال ۱۹۸۵ در کشور پدید آمده برای ننگه تأکید کرد که " دموکراتیزاسیونی که مبارزه توده ها در اکتبر سال ۱۹۸۲ سرآغاز آن بود جای خود را به پروسه ای ارتجاعی داده است (خواه در عرصه اقتصادی ، خواه در عرصه سیاسی) . این پروسه بدست الیگارشی محلی تحقق مییابد و امپریالیسم امریکای شمالی بدان الهام بخشیده و از آن پشتیبانی بعمل میآورد . هدف مشترک آنها عبارت از " نوسازی " سرمایه داری وابسته بحران زد مای است که بر پایه غارت منابع طبیعی و استثمار فوق العاده مردم بلیوی بوجود آورده شده است " (۱) .

در اینجا این سؤال مطرح میشود که چنین وضعی چگونه و بجه سبب پدید آمد ؟

برای روشن ساختن علل اساسی که منجر به عقب ماندگی و رکود اقتصاد گردیده باید زمانی را مورد توجه قرار داد که دولت جبهه وحدت دموکراتیک خلق فعالیت خود را آغاز کرد . این ائتلاف سیاسی در سالهای ۷۰ و برامواج مقاومت علیه دیکتاتوری بانسر بوجود آمد و بیانگر منافع طبقه کارگر در دهقانان و قشر متوسط اهالی و سایر اقشار بود . جنبش ملی انقلابی چپ ، حزب کمونیست بولیوی ، جنبش انقلاب چپ و برخی گروههای سیاسی دیگر داخل در این ائتلاف بودند . آنها در باره ضرورت انجام دگرگونی های واقعی به توافق رسیدند و برنامه دموکراتیک و خلقی با مضمون ضد امپریالیستی تهیه و تدوین کردند . این برنامه در تلفیق با درجه معینی از دموکراتیسم و همکاری صمیمانه رهبری برای جبهه وحدت دموکراتیک خلق پشتیبانی فزاینده مردم را تأمین کرد و در ریزش همین پشتیبانی جبهه سه بار در انتخابات اکثریت را

بدست آورد (۱) - در ژوئیه سال ۱۹۸۰ ل. گارسیا ریسا برای جلوگیری از انتخاب کاندید جبهه^۱ وحدت دموکراتیک از طرف کنگره ملی بمقام ریاست جمهوری کودتا کرد. پس از شکست دیکتاتوری وتلاش مکرر برای تعویض آن با دیکتاتوری دیگری، در سال ۱۹۸۲ جبهه^۲ وحدت دموکراتیک خلق بحاکمیت رسید و سپس سوآسو ریاست جمهوری برگزیده شد.

پیروزی جبهه^۳ وحدت دموکراتیک خلق در انتخابات و تشکیل دولت ائتلافی در زمینه مبارزات توده ها انجام گرفت. توده ها بودند که به پیروسی دموکراتیکی که آغاز شده بود طنین تازه ای دادند. ولی تضاد های اجتماعی - سیاسی و برخورد های مختلف متحدین در حل آنها علت اصلی نوسانات، ضعف و اشتباهات جبهه^۴ وحدت دموکراتیک خلق گردیدند. مقدم بر هر چیز برنامه نامشخص بود و به همین سبب هم گامهای لازم برای رفع بحران برداشته نمیشد. مشی اقتصادی خصلت سنتی فقط داشت. علاوه بر اینها تدابیری که اتخاذ میشد (مانند تنظیم کورس مبادل ای ارز ملی نسبت به دلار و تغییر همسای کالا های مورد نیاز اولیه، افزایش دستمزدها) بطور ارگانیک مرتبط به یکدیگر نبودند. همه اینها بحران را شدیدتر میکرد. بحران از رژیم های گذشته به ارث مانده بود و در دوران دیکتاتوریهایی نظامی - فاشیستی و در درجه اول بعلت وام خارجی بیش از حد شدت یافته بود.

بحران اقتصادی پس آمد های اجتماعی - سیاسی جدی هم بدنبال داشت. وضع بی ثباتی ایجاد گردید و برخورد های طبقاتی تشدید گردید و خواسته های گوناگونی که اغلب بپیورود بود و با منافع خلق و ملت بطور کلی و منافع برخی از مناطق کشور منافات داشت مطرح میشد.

سلسله عوامل دیگری هم بر اینها اضافه شد و حاصل آن افزایش مشکلات بود که جبهه^۵ دموکراتیک وحدت خلق با آنها روبرو شد. یکی از آنها پیدایش انشعاب و جدایی در ائتلاف بود (دو ماه پس از آغاز کار دولت)، علت آن امتناع جنبش انقلابی چپ از انجام تعهداتی بود که بعهده داشت. جنبش ملی انقلابی چپ و حزب کمونیست بلیوی به آن تعهدات وفا دار ماندند، ولی وضعی که ایجاد شده بود موجب از بین رفتن حسن همکاری و صمیمیت در رهبری و تحکیم حاکمیت سوآسو گردید. بتدریج این حاکمیت به قدرت مطلق فردی مبدل شد (حتی پس از آنکه جنبش انقلابی چپ مجدداً به ائتلاف پیوست)^۶ با آنکه با وظایف سیاسی مشترکی با متحدین خود داشتیم و اغلب در وضعی قرار میگرفتیم که کمتر بسودمان بود. شکل کار بدین قرار است. با آنکه حزب کمونیست نیروی بود که با اشتراك خود در ائتلاف به جبهه خصلت طبقاتی میداد و در آن نقش رهبری کننده نداشت. در چنین شرایطی بود که ما تجربه نسبتاً دشوار شرکت در دولت را که برایمان تا زگی داشت بدست آوردیم.

۱ - درباره این موضوع مشروح تر رجوع کنید به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " سال ۱۹۸۵ شماره ۱۰، صفحه ۴۱-۳۷. هیئت تحریریه.

با وجود این اندیشه ای که پایه و اساس جبهه دموکراتیک وحدت خلق را تشکیل می دهد هدف های برنامه ای جبهه ه توانائی بسیج توده ها و خود واقعیت واکتف نشان دادن از طرف الیگارش و امپریالیسم درستی سیاست اتحاد هائی را که حزب کمونیست از آن پیروی میکند تأیید مینمایند . در عین حال پراتیک ما نشان داد که اگر تحت تأثیر وضعی که بطور تاریخی ایجاد گردیده برنامه ائتلاف فقط " از بالا " و بدست دولت بمرحله اجرا درآید ه ائتلاف محکوم به شکست است . تمام اینها در مناسبات دولت با کارگران و جنبه خلی تأثیر منفی باقی میکند .

درینجبین کنگره حزب که در فوریه سال ۱۹۸۵ تشکیل گردیده ه حزب کمونیست پلیوی ضمن یک پروسه انتقاد از خود به طبقه کارگر و مردم گفت که نقش آن در تحقق برنامه جبهه دموکراتیک وحدت خلق ه نقش فعالی نبود . همچنین قید گردید که کمونیست ها نتوانستند چنانکه باید از برخورد به مسائلی کلیدی مانند سیاست اقتصادی دفاع کنند . ارزیابی حزب ه اگرچه از لحاظ تجزیه و تحلیل همه جانبه و عمیق کامل نبود خلصت انتقادی داشت (بویژه در مورد فعالیت ما در ترکیب هیئت دولت) . در ردیف پی آمدهای منفی که از اشتباهات دستگاه اداری کشور ناشی میشد نقش بی ثبات کننده راستگرایان و همچنین در درجه اول نقش سفارت آمریکا را هم بدون تردید باید یاد آور شد . نیروهای که با پروسه دموکراتیک خصوصت پیوریزند با استفاده از احزاب راستگرای جنبش ملی انقلابی و عمل ملی دموکراتیک (که در پارلمان اکثریت داشتند) و بخش خصوصی که کلام آخرد رآنجا از آن گروههای الیگارش اقتصادی است حمله را آغاز کردند . البته ه اقدامات آنان را ما باید پیش بینی میکردیم . بهمین سبب ما بارها اعلام میکردیم در اینکه به الیگارش که با شرکت های ترانس ناسیونال که در واقع اقتصاد کشور را تحت کنترل خود دارند دارای روابط نزدیکی است ضربه زده نشده ه ه مقصر اصلی دولت ائتلافی است . باید یاد آور شویم که عرصه منافع الیگارش که بطور عمده در امریکائی و بازرگانان (واردات) کلان تمرکز یافته در عین حال با اصطلاح معادن متوسط صنایع کشاورزی راهم در بر میگیرد . تدابیر اجتماعی - اقتصادی دولت بی ثمر بود و نمیتوانست نیازهای فوری زحمتکشان را برآورده سازد . شرایط زندگی هم که بخودی خود سخت و دشوار است تحت تأثیر بحران بدتر شد .

حتی یک تجزیه و تحلیل مختصر رویداد های گذشته و شرح فعالیت جبهه وحدت دموکراتیک خلق هم نتایج انتخابات ماه ژوئیه سال ۱۹۸۵ و تغییرات بعدی در وضع سیاسی داخلی را روشن میکند . یاس و نومیدی و ناراضائی از نتوانی دولت و بحران تحمیق یابنده و فقر و بدبختی قشرهای انبوه اهالی را به جستجوی راه خروجی از بن بست برانگیخت . ولی راهی که یافته شد اشتباه از آب درآمد .
تحت تأثیر تبلیغات گسترده مداوم ایالات متحده آمریکا و در شرایطی که شعارهای ذهنی گرایانه و جزئی چپ های افراطی هرچه رساتر میشد بسیاری از انتخاب کنندگان به وعده وعید های عوام فریبانه یاس استنشورو بانسر دل خواهی کردند . آن دو نیز ماهرانه از یاس و نومیدی زحمتکشان و اندیشه

به بن بست رسیدن (در برابر بحران اقتصادی و احوال و روحیه اجتماعی - سیاسی که با آن همراه است) سه استفاده میکردند . جنبش ملی انقلابی و عمل ملی دموکراتیک بدون درنگ از سردرگمی توده ها برای جلب آنان بسوی خود بهره برداری کردند . با شکست مواجه شدن سیاست دولت وحدت دموکراتیک خلق و تفرقه و پراکندگی در صفوف محافظان دموکراتیک و ضعف آنها و محدودیت عطششان همه و در آخرین تحلیل و بسود راستگرایان و امپریالیسم بود . کاندید های ارتجاعی کمدرید این وضع دشوار کشور کسان را مقصر بشمار میآوردند که رهبری پیروسه دموکراتیک را به پده داشتند با وعده برطرف ساختن بحران برای بازگرداندن حاکمیت بخود پا بمیدان مبارزه نهادند .

هنگام بررسی پیروسه های سیاسی و برخی از جوانب وضع اقتصادی کنونی بلیوی این را باید در نظر گرفت که صحبت از کشور سرمایه داری عقب مانده و وابسته به امپریالیسم امریکای شمالی است . این مانع اساسی در راه پیشرفت مستقل و اقتصاد ما را که بطور عمده وابسته به صدور نفت و گاز و مواد معدنی بود در درجه اول سنگ قلع است و در وضع فوق العاده بد و بیدفاعی قرار داده است . بی ثباتی مداوم از مشخصات زندگی اقتصادی جمهوری است . مسئولیت آن بمعده شرکت های ترانس ناسیو - نال است که بازرگانی مواد خام را در کنترل خود دارند . پی آمد های فشارهای ایالات متحده امریکا هم خود را نشان میدهند . ایالات متحده امریکا که ذخائر فراوان قلع (در حدود ۲۰۰ هزار تن) در اختیار دارد (این ذخائر مربوط به دوران جنگ جهانی دوم است) قیمت هارا در سطح نازل سی نگه میدارد و یا با عرضه کردن این فلز به بازار جهانی و فقط اعلام اینکه دست به چنین اقدامی نخواهد زد قیمت آنرا کاهش میدهد .

یک عامل وابستگی هم بدون تردید ، وام خارجی است . این وام در زمان بیانسر بوجود آمده و میزان آن در حال حاضر به حدی رسیده است که پرداخت درصد بهره آن به وام دهندگان سیری ناپذیر غیرممکن شده است . وام بلیوی هم اکنون ۵ میلیارد دلار است . در نظر اول ممکن است این وام ناچیز بنظر برسد . ولی با وجود درآمد ارزی بسیار محدود و چنین وامی برای اقتصاد بلیوی (با در نظر گرفتن درصد بهره) به بار سنگینی تبدیل میشود . میتوان مثال بسیار گویائی را شاهد آورد : در سال ۱۹۸۴ ۵۷ درصد درآمد صادراتی کشور که به ۷۰۰ میلیون دلار میرسید بمعرف پرداخت بهره وام رسید (۱) . چنین هزینه گزافی در زمینه وضع بحرانی کشور تأثیر نامطلوب شدیدی بر زندگی زحمتکشان داشت ، بویژه اینکه با وجود بالا رفتن قیمت کالاها در مقابل چیزی بدستمزدها افزوده نشد . نمونه بلیوی گواه دراماتیکی بر این است که چگونه بار قرض به عامل بحران تبدیل میشود و موجب

رکود اقتصادی و در درجه اول در عرصه تولید و میگردد و باعث کاهش مداوم سطح زندگی مردم میشود. در عین حال و بد هکاری و بدون تردید و در امکانات تحکیم پروسه دموکراتیک هم تأثیری منفی دارد. زیرا دادن اعتبار به پیروی از نسخه ها و نظریات فوند ارز بین المللی مشروط میگردد. فوند ارز بین المللی هم که آلت و ابزار امپریالیسم است و میگوید استثمار و وابستگی کشورهای کم رشد را تشدید کند.

ضمن صحبت از عوامل اجتماعی - سیاسی که بدین یا بدان شکل در وضع کشور تأثیر میکنند مسا روی اشتباهات و نقاط ضعف وحدت دموکراتیک خلق تکیه کردیم. ولی حزب ما و بیوازا این یادآور شد که در تکامل و گسترش پروسه دموکراتیک و در محالیت دولت جنبه های مثبتی هم وجود داشت. از سال ۱۹۸۲ بارها ابتکاراتی در جهت جستجوی مشترک امکانات و راه حل های قابل قبول برای پرداخت وام خارجی بعمل آمد. ولی آنها با موفقیت توأم نبودند.

در ماه مه سال ۱۹۸۴ هنگامیکه بار وام بویژه غیر قابل تحمل گردید و دولت وحدت دموکراتیک خلق زهر فشار جنبش کارگری تصمیم گرفت که دارای اهمیت فراوان بود: تصمیم این بود که پرداخت بهره به بانکهای خارجی خصوصی متوقف گردد (در عین حال تعهداتی را که دولت در برابر سایر دول و سازمانهای بین المللی دارد و از آنها طبق شرایط دیگری وام گرفته انجام دهد). در واقع این اعتبار را خصوصی است که گره طناب را گرد اقتصاد بلوی (و سایر کشورهای امریکای لاتین) محکمتر میکند. این تصمیم یکجانبه اتخاذ شد و تحقق آن مورد پشتیبانی سندیکاها و توده های مردم قرار گرفت. کمونیستها که همواره در صف مقدم کسانی قرار دارند که متوجه نیازهای مردم کشور و مردم بیبانشد بر این عقیده بوده هستند که با وجود تهدید هائی که برای محاصره اقتصادی و تحریم اقتصادی بعمل میآید و آن تصمیم درست و بجور بود. ولی آمادگی دولت کنونی برای همکاری با فوند ارز بین المللی میتواند به توافق معینی که به اهمیت خود ضد ملی است و منجر گردد.

در دوران مبارزات انتخاباتی حزب کمونیست بلوی و سایر سازمانهای چپ برای مردم توضیح میدادند که آلترناتیوی که راستگرایان پیشنهاد میکنند فقط به بحران خاتمه نخواهد داد و بلکه تمام سنگینی بار آنرا بدو زحمتکشان میاندازد.

همینطور هم شد. اندکی پس از انتخابات فوق العاده ای که به تحویل کرد ندر ارتباط میان سیاست امپریالیسم امریکای شمالی و مشی بانسر و پاس استنسورو که کاندید های مقام ریاست جمهوری بودند بر ملا گردید. آنها بدین سبب از پشتیبانی ایالات متحد و امریکا برخوردار بودند که کار پایه هر دو با مقاصد امپریالیسم و ارتجاع مطابقت میکرد. برنامه های آنها که در مطبوعات انتشار یافت بر این واقعیت گواهی میداد. در جمعی هم که از طرف کنفدراسیون محافل معاملاتی خصوصی تشکیل شد لیدر آن جنبش ملی انقلابی و عمل ملی دموکراتیک برای اثبات توانائی و استعداد خود در راه انجام خدمات صادقانه به گروههای لیگاری به یکدیگر سبقت میگرفتند.

تایل را ستگرایان به استفاده از انتخابات برای بازگشت به حاکمیت ما را به عقب انداختن آن
برمی انگیزد. ولی کاخ سفید و سفارت ایالات متحدۀ آمریکا آشکارا از این موضوع اظهار نارضایتی
میکردند (۱) و برای آغاز مبارزات انتخاباتی تا حد دادن دستگاہهای ویژه برای شمارش آراء (مانند
آنکه در سالوادور مورد استفاده قرار گرفت) حتی حاضر بودند " کمک " کنند .

گاهی وجهه و اعتبار کابینۀ سلیس سواسوبا تمام پیآمدهای ناشی از آن به ایجاد وضع دشواری
برای محافل دموکراتیک منجر گردید . کونیست ها را عقیده بر این بود که انجام انتخابات را در لحظۀ
فوق العادۀ بغرنجی برای تمام نیروهای چپ در نظر گرفته اند . در صفوف چپ ها دو گرایش وجود
داشت . طرفداران گرایش نخست (تقریباً تمام گروه بندیهای کوچک تر و تسکست و فراکسیون گروه
سوسیالیستی و گروهی که از جنبش انقلابی چپ جدا شده بود و در مرکز کارگری بلیوی نمایندگی داشت
و همچنین حزب ح . لچین (۲)) پیشنهادشان تحریم انتخابات بود و اعلام میداشتند که انتخابات
هیچ چیز را حل نخواهد کرد . بیانگران گرایش دوم یعنی کونیست ها و برخی از سازمانهای دیگر
اشتراک در مبارزات انتخاباتی را مؤکداً لازم میدانستند و این اقدام را وسیله ای برای دفاع از دست
آورد های دموکراتیک و منافع طبقۀ کارگر و دهقانان و تمام مردم بشمار میآوردند . آنها تبدیل مبارزات
انتخاباتی به تربیون سیاسی را بدانجهت لازم میدانستند که با استفاده از آن (حتی در شرایط
نامساعد) میتوان از سیر قهرقراضی جلوگیری کرد .

واقعیات (که البته به مسائل انتخاباتی محدود نمیگردد) درستی موضع ما را تأیید کردند . حزب
کونیست بلیوی به فعالیت و مبارزه در تمام سطوح ادامه میدهد . در پارلمان هم نماینده دارد و اگرچه
مانند متحدینش تعداد نمایندگانش بسیار اندک است . در ضمن در این نیز تردیدی نیست که نتایج
رای گیری برای تمام نیروهای چپ بطور کلی نامطلوب بود . کونیست ها و سایر مؤلفین و اسامی
شرکت در دولت کم رای آوردند . ولی احزابی هم که در دولت شرکت نداشتند متحمل زیان بسیاری شدند .
آری در انتخابات چرخشی برآست رویداد . این هنگامی بوقوع پیوست که مردم در سخت ترین
شرایط ناشی از بحران قرار داشتند و میدوار بودند راه خروج از آنرا بیابند . حالا این واقعت بر
همه روشن شده است که راستها قادر نیستند چنین راهی پیشنهاد کنند .

نقشه های ارتجاعی که در مباحث اصلاح سیاست اقتصادی تازه کابینۀ پاسا سنسورو تجسم یافته بیم
وهراس نیروهای دموکراتیک و چپ را کاملاً تأیید نمود . اصول اساسی این سیاست در فرمان پرزیدنت
(بتاریخ ۲۹ اوت سال گذشته) بیان شده است (۳) آنچه در این سیاست تازه است فقط نام آنست .

1- Presencia, 10 de julio de 1985.

۲- سازمانهای که در مواضع آنارشیستی - سندیکالیستی و چپ افراطی قرار داشتند . هیئت تحریریه .

3- Hoy, 30 de agosto de 1985.

درشلی و آرژانتین و سایر کشورهای قاره هم از چنین مشی پیروی کرده اند و ولی راه حل واقعی برای مسائلی که مطرح است بدست نداده است. صحبت از نظریات نولیبرال در تلیقی با توصیه های فوند آرژینین المللی است که در خدمت به الیگارش و امپریالیسم است نه در خدمت به بلیوی و مردم آن.

پیروی از چنین سیاستی در کشوری مانند کشور ما که بخش بزرگی از اقتصاد آن در دست دولت است (معادن، نفت، گاز، صنایع فلز و مؤسسات دیگر) و در واقع بمعنی به تبعیت بخش خصوصی در آوردن رشته های کلیدی صنایع و وابسته کردن پیشرفت اقتصادی به شرایط بازار است. برای دولت فقط نقش ناظر تحقق این مشی را قائل میشوند که بسود صاد رکندگان کلان و وارد کنندگان کالا و بانکداران و سایر گروههای الیگارش (از جمله جمعیت ها و شعبات منطقه ای آنها) وابسته به امپریالیسم است. پروسه برپا دادن ثروت های ملی بسود شرکت های ترانس ناسیونال که در درجه اول بظهور غارت منابع طبیعی کشور سرمایه گذاری میکنند از سه طریق آغاز گردید. نخست از راه ایجاد عدم تمرکز اقتصادی (بطور مثال برهم زدن مهترین واحد تولیدی کشور یعنی شرکت استخراج معادن بلیوی) و دوم از راه انحلال مؤسسات (همانطور که در مورد شرکت تکامل پیشرفت بلیوی انجام گرفت) و بالاخره از راههای دیگر (اجاره دادن و فروش و مانند اینها) که گاهی اعتبارات ویژه نیاهای صنایع معادن که ملی شده و نیز چنین پی آمد های زیانباری بدنیال دارد.

صدور بی بند و بار مواد خام ضربه مهلکی به صنایع فلزات رنگین وارد می آورد (ایجاد این صنایع را باید از جمله دست آورد های مردم ما بشمار آورد) و این خطر را در بر دارد که صنایع فلزات رنگین را شرکت های خارجی در اختیار خود بگیرند. چنین رویدادی آینده کشور را به خطر میاندازد. آزادی صادرات و واردات بصنایع بلیوی زیان میرساند. این ضرر در درجه اول متوجه صنایع متوسط و کوچک است که طبیعتاً و فرآورده های آنها قادر بر رقابت با کالاهایی که از کشورهای پیشرفته وارد میشود.

خطر کاهش تولید و قطع آن و بنابراین افزایش بیکاری پدید می آید. در ضمن در نتیجه تمرکز مداوم سرمایه داری و سرازیر شدن سرمایه بدان سمت که سوء استفاده و رواج پیدا میکند (دعوه های بازرگانی و مالی) و در اثر فرار فزاینده سرمایه ساختار اقتصاد ناموزون میگردد. بد آنچه گفته شد این راهها باید افزود که مجاز خرید و فروش بیلا مانع لا عملا پولهای راکه از معامله مواد مخدربندست می آید قانونی میکند و زیرا حالا این پولها را بانکها بدون کنترل و محدودیت می پندیرند.

سنگینتر

پی آمد های چنین سیاستی برای مردم بسیار زیان بخش است. این پی آمدها بار بحران را گرسنگی را شدیدتر میکنند و موجب استثمار فوق العاده زحمتکشان میگردد. حقوق اجتماعی و قدم بر همه دست آورد های سندیگاری آنان که در نتیجه مبارزات شدید حاصل شده و در قانون اساسی و قوانین اجتماعی تثبیت گردیده پامال میشوند. آزادی اجیر کردن کارگر به صاحبکاران امکان میدهد کارگران را دسته جمعی

بیکار کنند (۱) و شرایط پذیرش بکار را سخت تر نمایند و زحمتکشان را در فشار قرار دهند و بدون بیمه های اجتماعی و برخلاف قانون پیمان ببندند و یا آنرا لغو کنند .

کسک هزینه کارگران معادن (که به چهار نوع کالا های ضروری اولیه تعلق میگرفت) بلغی شد ماست و قاچاق و گرانفروشی افزایش مییابد ، قیمت کالاها بدون وقفه بالا میرود ، دستمزدها را یا ثابت نگه میدارند و یا کاهش میدهند ، از قدرت خرید اهالی مرتباً کاسته میگردد ، علت آن هم تورم است که بوضع تبلیغات دولتی هنوز ادامه دارد . دست آورد های مهم پروسه دموکراتیک مانند مقیاس تغییر دستمزدها و اشتراک کارگران در اداره امور صنایع معادن بخش دولتی کاملاً از بین رفته است . خدمات بهداشتی و وضع حمل و نقل بحران پذیر شده است .

تمام اینها نتیجه اعمال نظر فونداریز بین المللی است که سیاست اقتصادی ارتجاعی تازه ای که با تدابیر سیاسی تثبیت گردیده و تجسم آن است ، این تدابیر در مجموع خود سیستم حاکمیت امپریالیستی و فارتگرانه ای تشکیل میدهند که در آن تغییر سازمان نیروهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری را الیگارشی رهبری میکند و میکوشد مواضع خود را برای مدتی طولانی مستحکم ساخته و راه را برای بزوی مکان هرگونه تغییر و تحولی که کشور پیش از حد بدان نیاز مند است ببندد .

در جریان پیاده کردن این طرح که علیه منافع زحمتکشان و مصالح ملی است تضییق و فشار وسیله اصلی است . دولت هم به اعمال زور و اهلام حکومت نظامی متوسل شده است . در ضمن برای تحمیل تدابیری که در بالا یاد آور شدیم ، از پارلمان هم استفاده میشود ، چون در آنجا اکثریت با جنبش ملی دموکراتیک و عمل ملی دموکراتیک است . همین عامل بنوع خود پایه و اساسی برای انعقاد پیمان سیاسی پاس استنشورو بانسر گردید . هدف این پیمان تأمین شرایط برای ادامه سیاست طرفداری از امپریالیسم ، تضمین ثبات رژیم و در مرحله بعدی دادن حاکمیت به بانسر است .

ولی جریان کارها فقط به اعمال زور محدود نمیشود ، تغییر شکل بنیادی ملی و مقدم بر همه تغییر قانون اساسی هم پیشه پهنی شده است . بدین ترتیب که در نظر دارند موادی را که با سیاست راستگرایان مغایرت دارد (در درجه اول موادی که بیانگر حقوق و آزادیهای مدنی یا مؤید دست آورد های زحمتکشان است) و موادی را که مدافع حق حاکمیت و شرتهای ملی کشور است از آن حذف کنند . در نظر دارند قانونی درباره احزاب سیاسی به تصویب رسانند که با استناد بدان بتوان در راه

۱ - آمار و ارقامی که در مطبوعات بچاپ رسیده باندازه کافی گویا است . بطور نمونه از :

(Hoy, Edición Internacional, 18 de diciembre de 1985):

" طی هفته اخیر ۲۲۴ نفر از کاراخراج شدند " در همان شماره روزنامه آمده است : " تا ۳۱ مه سال ۱۹۸۱ نزدیک به ۵۰ هزار نفر از کارمندان بخش های خصوصی دولتی کار خود را از دست خواهند داد .

فعالیت علمی نیروهای چپ دشواریهائی ایجاد کرد. همچنین نقشه ای طرح کرده اند که یکم آن برای تجدید سازمان دستگاه دولت در جهت تسهیل پیروی از منویض ضد ملی وضد خلقی گامهایی برداشته شود. اعتراض علیه سیاست اقتصادی پاماس استنشورو از لحظه اعلام آن آغاز گردید. ابتدا اعتصاب عمومی اعلام شد و پس از آن اعتصاب گرسنگان بود. اعتصابها بنا بر تصمیم مرکز کارگری آغاز شد و در شرایط فوق العاده دشواری برگزار گردیدند و اعلام حکومت نظامی برای این دشواریها افزود. در ضمن قدرت پرولتاریا برهبری کارگران معادن نیز بطور درخشانی نمایان گردید و امکانات واقعی وجود اختلاف کس و کیفی در قدرت رزمندگی سندیکاها گوناگونی که در مرکز کارگری بلیوی متحد شده اند معلوم شد. نقش رهبری ملی سندیکائی پیش و پس از اعلام برنامه اقتصادی پاماس استنشورو هم نمایان گردید.

باید گفت سندیکاها موفق نشدند دولت را وادار به تغییر سیاست خود کنند. ولی جنبش کارگری توانست وحدت و سازمانهای خود را (برغم تلاشی دولت برای تجزیه کردن و تمویض آنها) حفظ کند. اما زحمتکشان هنگامی حاضر به پایان دادن به اعتصاب شدند که دولت را مجبور کردند درباره تدابیر نظریات پیشنهادی سندیکاها (۱) و آزادی زندانیان سیاسی مبارزگت آنان از تبعید با سندیکاها وارد مذاکره شود. مبارزات پرولتاریا و تمام زحمتکشان قدرت بقاومت آنان را نمایان ساخت و در همین حال ضرورت تحکیم هرچه بیشتر سازمانهای آنان و فرمول بندی دقیق تر خواستههایشان را نشان داد. عزم راسخ توده ها برای حفظ دست آوردهای اجتماعی و دفاع از ثروتهای ملی و حفظ بخش دولتی بمنزله اشتغال بکار و تکیه گاه پیشرفت اقتصادی هم آشکار گردید.

ولی نتایج اعتصاب برای این نیزگواهی میداد که نیروهای دموکراتیک موفق نشدند نه از سیاستی که فوند ارز بین المللی تحمیل کرده جلوگیری کنند و نه تغییری در آن بدهند. بدیهی است که این جریان دستاویزی برای اندیشیدن در اطراف مسئله بود. ما عقیده خود را آشکارا بیان کردیم از جمله از تبعید مرکز کارگری بلیوی: مبارزه علیه منویض پاماس استنشورو که کمونیستها هم در آن شرکت جستند و بدون تردید کار درستی بود. اما معلوم است که این مبارزه بدون در نظر گرفتن تمام ویژگیهای وضع تازه و بهمان آشکال سابق انجام مییافت. در ضمن درگیری هم با دشمنی بود که برای اتخاذ هرگونه تصمیم حتی بدوجه افراط آمیز مادیکی داشت. نه با دولت وحدت دموکراتیک خلق که علیه زحمتکشان به تضییق و فشار متوسل نمیشد.

ضمن بحث و مشاجره ایدئولوژیکی که در اتحادیه های کارگری در گرفت ما قید کردیم که: جنبش سندیکائی در جریان تظاهرات علیه تدابیر اقتصادی الیگارش و امپریالیسم متحد معینی خسته و فرسوده میشد. نیروی آن اندکی پیش از رویدادهائی که شرح داده شد یعنی هنگامیکه مبارزه با دولت سیلس سوآسو را آغاز کرد تحلیل رفته بود. سران مرکز کارگری بلیوی دولت سوآسو را دشمن اصلی

طبقه کارگر بشمار می‌آوردند. لچین لیدر این سازمان هدف اعتصاب را بخلط استحقاق پرزیدنت و تحویض دولت با حاکمیت "چپ‌ها" یا به بیان دیگر با حاکمیت هفکرا خود اعلام کرد. در حالیکه موضوع ما در آن هنگام چیز دیگری بود و معتقد بودیم که قطع ارتباط با دولت بسود راستگرایان است. آنها میکوشیدند پیروسه دموکراتیک را برهم زنند (با استفاده از انتخابات و تهدید به کودتا) و روابط و امکاناتی را که جنبش کارگری و خلقی میتوانست و لازمه بود برای دفاع از منافع خویش و موفقیت های بدست آمده مورد استفاده قرار دهد و کاملاً ازین بپزند.

حزب کمونیست بلوی، با توجه بدین نکته و اختیارات تام رهبران مرکز کارگری بلوی را مورد شک و تردید قرار داد. زیرا آنها برغم عزم راسخ زحمتکشان به مقاومت در جریان پیکاری دشوار جنبش سندیکائی را به جهت نادرستی سوق میدادند. بدون تردید در کنگره آیند و حزب کمونیست بلوی به تجزیه و تحلیل آنچه رویداده و انتقاد و انقاد از خود و جای مہمی داده خواهد شد. این تدابیر به برخورد سنجیده و دموکراتیک و تصحیح اشتباهات و اتخاذ تصمیماتی با روح طبقاتی در جهت تحکیم جنبش کمک خواهند کرد.

تأثیر حزب ما در مبارزه طبقه کارگر و سندیکاها در تمام سطوح و با شکل گوناگون خود را نمایان میسازد. بطور نمونه میتوان ششمین کنگره مرکز کارگری بلوی را که اخیراً برگزار شد یادآوری کرد که در آن تلاشهای گروه بندیهای چپ افراطی بمنظور منزوی ساختن کمونیست ها عقیم ماند. جریان زندگی این واقعت را تأیید میکند که این قبیل نیات محکوم به شکست است. زیرا جنبش کارگری و جنبش خلق هرچه بیشتر به صداقت تزلزل ناپذیر کمونیست ها به منافع پرولتاریا و رسالت تاریخی آن یقین حاصل میکنند. ولی بدون تردید و هنوز ما کارهای زیادی در پیش داریم و باید موانع بسیاری را برطرف ساخته و از موفقیت های زیادی برخوردار شویم. در هر حال مهمترین دست آورد حزب کمونیست و در واقع همان نقش فعال در جنبش های کارگری و سندیکائی است.

کمونیست ها ضمن ارزیابی پیشرفت و سیر رویدادها در کشور ما نه فقط عوامل داخلی و بلکه عوامل خارجی را هم در نظر میگیرند. ما فقط برخی از این عوامل را یادآور میشویم. طی سالهای اخیر امریکای لاتین به جنبه فعال نبرد ضد امپریالیستی تبدیل شده است. در صف مقدم پیکار کوبای سوسیالیستی قرار دارد که موفقیت هایش در عرصه های اقتصادی و فرهنگی تردید ناپذیر است. انقلاب ساندینیستی که سلاح دردست از کامیاب های خود در برابر تجاوزات "همسایه بزرگ شمالی" دفاع میکند رشد یافته و مستحکم میگردد. پتانسیل رژی مہین پرستان سالوادور که با رژی دست نشانده مبارزه میکنند روز بروز افزایش مییابد. اکثر رژیم های دیکتاتوری تحت فشار توده ها از پا درآمده اند. درک اهمیت و لزوم عملیات مشترک در مبارزه علیه الفای وام سنگین خارجی و در راه نظم و نسق اقتصادی عادلانه بین المللی در قاره گسترش مییابد.

حفظ و تحکیم صلح شرط لازم برای پیشرفت هرچه بیشتر پروسه های آزاد بیخشی است . جامعه کشورهای سوسیالیستی ، اکنون ، ضامن اطمینان بیخشی صلح است . بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که چندی پیش بکار خود پایان داد ، بار دیگر بطور آشکاری تأیید نمود که سوسیالیسم و صلح تفکیک ناپذیر است . ابتکارات صلح متعددی که اتحاد شوروی مطرح ساخته و وظیفه تاریخس مهن را که رهائی جامعه بشری از پلید هشتاد و پنجگه هسته ای تا سال ۲۰۰۰ است ، شامل میگردد . نیروهای صلحدوست سیاره ما از این ابتکارات پشتیبانی بعمل میآورند .

چنین است زمینه بین المللی که رویداد های تعیین کننده وضع سیاسی کنونی بلیوی در آن جریان دارد . هنگام تجزیه و تحلیل وضع سیاسی بلیوی نه فقط شرایط روز ، بلکه عامل عمده را هم باید در نظر گرفت .

برای برطرف ساختن کامل عقب ماندگی کشور دگرگونیهای بنیادی سیاسی و اقتصادی ضرور است . ضرورت عینی تغییر وضع موجود در مقابل نیروهای دموکراتیک و چپ مطرح است که آمدن هستند علیه الیگارشی و امپریالیسم بطور بیگانه مبارزه کنند ، حاکمیت سیاسی را بدست گیرند و با اتکال به توده ها بر توده خلق ، ضد الیگارشی و امپریالیستی را بمرحله اجرا در آورند . این نه فقط وظیفه طبقه کارگر ، بلکه وظیفه دهقانان قشرهای متوسط و تمام زحمتکشانی است که برای آینده بهتری مبارزه میکنند . وظیفه احزابی که بیانگر منافع آن نیروهای اجتماعی هستند که نام بردیم این است که متحد شوند و در سازمانی تشکیل یابند . ولی ما باید امکانات واقعی را در نظر بگیریم و دشواریهای موجود را هم بحساب آوریم . بطور مثال ، هنگام انتخابات اخیر کمونیست ها ، میخواهند جبهه مشترکی علیه راستگرایان بوجود آورند ، ولی این امر بیسرنگرود . مانع عمده برخورد های متفاوت به راه حل این مسئله بود . در واقع بهمین سبب ما با دشواری فراوان (و با صرف وقت گرانبهای بسیار) فقط توانستیم کاندید های مشترکی از حزب کمونیست و جنبه انقلابی چپ " بلیوی آزاد " معرفی کنیم و جبهه خلق متحد را بوجود آوریم . ولی جبهه هنوز آن سازمانی نیست که ما میخواهیم ، بلکه ما را فقط به ایجاد آلیانس گسترده ای نزدیک میکند که قادر باشد دگرگونیهای لازم را تحقق بخشد .

از آنجا که مشی رژیم کنونی با منافع مردم و ملت کاملاً در تضاد است ، باید در انتظار انفجاری بود که از خواست جهیم زحمتکشان به بهبود شرایط طاقت فرسای زندگی و دفاع از حقوق و آزادیهای پامال شده سرچشمه میگردد . در جریان مبارزه برای عقیم کردن نقشه های سیاسی راستگرایان و مقابله با تدابیری که بدستور فوندارز بین المللی اتخاذ میشود ، وظیفه ایجاد تناسب نیروی را مطرح میکنیم که به پروسه دموکراتیک تازه ای که هدفش ایجاد دگرگونی های بنیادی با خصلت ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی است یاری رساند .

وضعی که در کشور پدید آمده ، بهیچوجه بر شکست کامل ما گواهی نمیدهد . ما این وضع را تجربه

بشمار میآوریم که بما نیرو میدهد و برای تمهین رهنمودهای درست بما کمک میکند. درست از چنین دیدگاهی ما برای نخستین کنگره فوق العاده حزب و فعالیت های روزمره تدارک می بینیم. ما برای احیای تشکل توده ها و در این راه کوشش میکنیم که آنها دارای رهبری باشند که قادر باشد از انحرافها و اشتباهات که همه بسود نیات ارتجاعی سازمانهای عمل انقلابی خلق و جنبه در موکراتیک خلق و بخشی از ارتش است جلوه گیری کند.

طبقه کارگر و توده های مردم در شهر و روستا با فراگرفتن تجربه شناختن چهره واقعی دشمن (که هم از مواضع راست و هم چپ افراطی عمل میکند) و آموختن تشخیص دشمن اصلی و میتوانند بر ارتجاع کونی غلبه کنند و پروسه موکراتیک تازه ای را آغاز نمایند که پاسخگوی امیدها و آرزوهای تاریخی پرولتاریا و تمام مردم باشد. مبارزه ای که در پیش است در برابر کونیست ها این وظیفه را مطرح میکند که در درک هدفها و ضرورت سیاست اتحادها و فراگرفتن آشکال و شیوه های گوناگون مبارزه توفیق حاصل کنند. این عامل تأمین کننده پیروزی توده ها است.

بقیه از صفحه ۴۴

و تعداد بسیاری از بهترین انسانها بخاطر آن از جان خود گذشتند و ادامه بدهید. بهنگام ادای این سخنان من فقط احساسات مادری خود را در نظر ندارم بلکه میخواهم شما قادر باشید جامعه ای بسازید که با عصر دوران شما مطابقت کند.

آرزو میکنم که شما به امرکونیستهای نسلهای گذشته وفادار باشید و ولی پابند گذشته و وابسته بدان ننمایید. مرتباً در اندیشه و نیات خود به پیش روید، مسائل را طبق نیات و تمایلات خود و خواسته های تازه این جهان بیکرانی که مدام در حال تغییر است حل و فصل کنید.

سرچشمه جاویدان امید

دولارس ایباروری

صدر حزب کمونیست اسپانیا

نام دولارس ایباروری در آنسوی مرزهای اسپانیا، در کشورهای دوردست هم مشهور است. زندگی او و مبارزه انقلابی نشانه وفاداری به امر آزادی زحمتکشان و امر طبقه کارگر شده اند. در سالهای جنگ ملی - انقلابی در اسپانیا، در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن سخن آتشین پاسوناری به هزاران هزار نفر در مبارزه علیه ارتجاع و فاشیسم و در راه آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم و آینده ای بهتر الهام می بخشید.

در دسامبر سال گذشته دولارس ایباروری نود ساله شد. مجله "صلح و سوسیالیسم" از او خواهش کرد به چند پرسش پاسخ بدهد. پاسخ های رسیده را در زیر درج می کنیم.

— شما شاهد و شریک بزرگترین رویداد های قرن ما بوده اید، سهم بزرگی در مبارزه در راه ترقی زندگی بهتر برای زحمتکشان و آرمانهای کمونیسم ادا کرده اید. بعقیده شما این آرمانها در پیشرفت های اجتماعی - تاریخی چه نقشی ایفاء کرده اند.

— آرمانهای ما، آرمانهای کمونیستی، آزادی اجتماعی زحمتکشان سراسر زندگی مرا که سرشار از مبارزه بوده است روشن کرده اند. در کتاب "یگانه راه" من توضیح داده ام که پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه برای من چه معنائی پیدا کرده است. در آنتینگام من هنوز اهمیت این رویداد را که بمنزله نقطه چرخشی بود تمام و کمال درک نمی کردم و اینکه این رویداد چه تأثیری در سرنوشت من، در سرنوشت ملیونینها انسان و سرنوشت تمام جامعه بشری خواهد داشت برایم قابل تصور نبود. ولی بطور غیریزی احساس میکردم که رویداد عظیم و بی اندازه مهی اتفاق افتاده است. تمام فکر و اندیشه ام متوجه کشور دوری بود که از آن لحظه به بعد برای همه ما تا این اندازه نزدیک شده بود. دواکلمه برای همیشه در خاطر من جایگزین گردید و دل و روحم را بهیجان میآورد: "روسیه و لنین".

۷۰ سال گذشته روی نقشه جهان منظومه ای از کشورهای سوسیالیستی که به استثمار سرمایه داری پایان داده اند پدید آمده است. دهها کشوری که پیغ استعمار را در هم شکستند امکان زندگی مستقل یافتند. مابین بن اسپانیا هم که نیم قرن پیش در آنجا جنگ علیه فاشیسم آغاز شد و پس از سال های دراز پررنج و عذاب دیکتاتوری فرانکو بپاخواست و با تحلل دشواریها براه دموکراتیک گام نهاد.

بهمین سبب است که با همه بغرنجی و تنوع گرایشهای پیشرفت اجتماعی - تاریخی در دوران معاصر آرمانهای ما هنوز رهنمود و سرچشمه جاویدان امید ستمدیدگان و معنی و مفهومی برای مبارزه است. - بیش از ۶۰ سال پیش شما ابتدا عضو حزب سوسیالیست و بعد عضو حزب کمونیست شدید. شما که دشواریهای زندگی و سرنوشت کارگران معادن اسپانیا و خانواده های آنان را با پوست و گوشت خود احساس کرده اید. براه مبارزه برای آزادی اجتماعی طبقه کارگر و دفاع از امید و آرزوها و حقوق و منافع آنان گام نهادید. این هدفها اکنون چه اهمیتی دارند؟

- البته طی شصت سال تغییرات قابل ملاحظه ای روی داده است. ولی اصول بدون تغییر پابرجا است. ترکیب طبقه کارگر دستخوش برخی تغییرات شده است. ولی انقلاب علمی - تکنیکی به افزایش تعداد متحدین آن منجر گردیده. نه کاهش آنها. آشکال مبارزه هم فوق العاده متنوع شده است. ولی با اینهمه ترکیب اساسی دفاع از امید و آرزوها و حقوق و منافع زحمتکشان و بقیاس گسترده تر تمام کسانی است که انبی آمده های سیاست سرمایه بزرگ رنج می برند. علاوه بر این یک سلسله پدیده های تازه هم بوجود آمده است. از جمله با اصطلاح "جنبش های اجتماعی نو": طرفداران حقوق زنان و مانند اینها. با وجود تنوع و اغلب حتی فقدان مواضع دقیق و روشن و آنها حاصل پتانسیل ضد سرمایه داری هستند و در عین حال نیرومند اعتراض در هم می آمیزند. منعکس کننده بحران ژرف اجتماعی میباشد که با بحران اقتصادی کنونی همراه است. در عین حال تضاد اساسی همان تضاد آهسته ناپذیر میان کار و سرمایه. بیان ستمدیدگان و استثمارکنندگان است. بهمین جهت طبقه کارگر، به گسترده ترین مفهوم این کلمه، مانند گذشته نقش نیروی محرکه تحولات اجتماعی ناپذیر را ایفا میکند.

- شما که همنسال ترین شخصیت جنبش کمونیستی جهانی و در باره نقش این جنبش و مقام

آن در دنیای کنونی مایلید چه بگوئید؟

- بدون دعوی هیچگونه تعمیسی و من بمنزله صد رجوی کمونیست اسپانیا که جزئی از جنبش جهانی کمونیستی است و معتقد که این جنبش در جهان معاصر به علل چندی نقش ایفا میکند. واقعیت وجود کشورهای را که رهبری آنها با احزاب کمونیست است (از جمله کشورهای بزرگی مانند اتحاد شوروی و چین) بمنزله یکی از آن علل میتوانم یاد آور شوم. سایر کشورها هم با ویژگی های خاص خود به راه رشد سوسیالیستی گام نهاده اند.

علاوه بر این با توجه به میزان تنوع جنبش ما و شرایط گوناگونی که این یا آن حزب کمونیست در

آن فعالیت میکند و ریشه های تاریخی آنها و غیره وحدتی که بر پایه احترام و استقلال هر حزب و همچنین عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بوجود آمده است حکام مینماید .

تجزیه تاریخی ضرورت پایدان دادن به چهارچوب های تنگ قشری (دکاتیک) در عین صدآ تزلزل ناپذیر به تئوری مارکسیستی را بجا نشان داد . تئوری مارکسیستی را هم ما در پیشرفت و تکامل مداوم آن و با رتبه که اکنون زمان مادر گذر است درک میکنیم من به نبوغ لنین با تحسین و شگفتی مینگر و همواره شیوه برخورد او را رهنمود قرار داده ام . او انقلابیگری را که از خصوصیات مارکسیسم است بدان بازگرداند و امکان پیشرفت و تکامل اندیشه های مارکس وانگلس در عصر نوبتی، در دوران اسپانیا - لیسم را نشان داد . در عین حال پیروی از سیاست خردمندان اتحادها برای حزب انقلابی مارکسیستی بسیار مهم است . این سیاست در جنبه های گوناگون مبارزه بمعنی وحدت و یا نزدیکی به سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، مسیحیون مرفی و دیگران و همچنین با جنبش های اجتماعی تازه ایست که در ایالات خاطر نشان کردیم .

— نام شما سالهای مقاومت علیه فاشیسم و مقابله با نیروهای ارتجاع و جنگ را بخاطر میآورد . بعقیده شما در سهای عمده آن سالها چیست؟ پنجاهمین سالگرد آغاز جنگ ملی - انقلابی در اسپانیا که امسال است چه فکر و اندیشه ای در شما بوجود میآورد؟

— بنظر من درس اساسی آن دوران عبارت از این است که در مبارزه برای حق خود خلق واحدی که قاطعانه مصمم باشد هر دشواری را از پیش پای بردارد شکست ناپذیر است . شعار ما این بود که " آنها موفق نخواهند شد " . با وجود اینکه معلل تعددی که میان آنها من به سیاست " مونیخی " محافل رهبری بریتانیای کبیر و فرانسه تکیه میکنم، ما شکست خوردیم . با گذشت زمان و در جریان مبارزه مردم اسپانیا در راه دموکراسی و عدالت برقرار گردید و خلق پیروز شد .

پنجاهمین سالگرد آغاز جنگ ملی انقلابی در اسپانیا مرا وادار میکند پیش از هر چیز قهرمانی را بخاطر بیاورم که خلق ما از خود نشان داد . خلق ما با سرمشق قرار گرفتن برای ارباب و تمام جهان در طول مدت تقریباً سه سال توانست در برابر فشار حملات شورشیان طرفدار فرانکو که مورد پشتیبانی مداخله گران هیتلر و موسولینی بودند مقاومت کند .

سیاست جنبه خلق که حزب کمونیست اسپانیا از آن پشتیبانی میکرد به وحدت نیروهای دموکراتیک که پایه مقاومت علیه فاشیسم بود یاری رساند . فقط وقتی تسلیم طلبان بدست ویز ضرورت انعقاد صلح استواری موفق به برهم زدن این وحدت مردم شدند . در جنبه ها عملیات مسلحانه قطع شد . اگر چه مقاومت علیه طرفداران فرانکو که بطور عمده از حزب ما الهام میگرفت در آغاز با شکل عملیات پارتیزان و سپس از راه احیای جنبش کارگری و بسیج همگانی زحمتکشان و دانشجویان و سایر قشرها که خواستش اعلام غوغوموسی و تضمین آزادیهای دموکراتیک بود ادامه داشت .

— سالهای مبارزه مردم اسپانیا علیه تعرض فاشیسم نیروی عظیم انترناسیونالیسم پرولتاری ه همبستگی بین المللی کمونیست ها و تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک را برای مهار کردن نیت تجاوز کارانه امپریالیسم و ارتجاع و دفاع از صلح و دموکراسی بطور درخشانی نشان دادند . چنین همبستگی در دوران کنونی چقدر اهمیت دارد ؟

— واقعاً هم ه همبستگی بین المللی کمونیست ها و همچنین تمام محافل دموکراتیک و مترقی با اسپانیای جمهوریخواه ه در دوران مبارزه با فاشیسم محلی و بین المللی ه در آنسالها با نیروی فوق العاده ای خود را نمایان ساخت . قهرمانیهای بیگانه های انترناسیونالیست قرنهای درخاطره ها زنده خواهد ماند . از آن زمان به بعد کمونیست های اسپانیا بارها همبستگی انترناسیونالیستی خود را با خلقهایی که در راه آزادی خویشتن مبارزه میکنند نشان دادند : با ویتنام که در برابر امپریالیسم امریکا مقاومت میکرد ه با کوبا که دلیرانه با محاصره و مداخله مسلحانه امریکا مقابله کرد ه با مردم فلسطین که قربانی تجاوز اسرائیل شدند و حالا هم با مردم نیکاراگوئه که در زیر فشار واشنگتن قرار دارند . خلاصه اینکه ما کمونیست ها انترناسیونالیست های واقعی هستیم . میتوان گفت تا اندازه ای بدین همبستگی با خود را می پردازیم ه همبستگی که در وقت خود ساختندانه به مردم ما ابراز داشتند آنهم نه فقط در طول سه سال مبارزه مسلحانه ه بلکه در دوران مقاومت دراز مدت علیه دیکتاتوری فرانکو .

نه در سالهای ۳۰ شما نماینده مجلس و معاون صدر مجلس بودید . سخنرانیهای شما تأثیر زیادی در شنوندگان داشت و به دموکراتهای اسپانیا در مبارزه علیه فرانکیسم الهام میبخشید . بنظر شما " راز " تأثیریک سخنران یا شخصیت اجتماعی در توده ها در چیست ؟ آیا حالا دیگر گفتگوی بلاواسطه رهبر سیاسی با مردم اهمیت خود را از دست داده است ؟ آیا تلویزیون جای این هنر را گرفته است ؟

— تأثیری که سخنران یا شخصیت سیاسی در توده ها دارد وابسته به چیز بسیار ساده ای است که همیشه باسانی میسر نمیکرد : این تأثیر وابسته به توانایی یکی شدن با توده ها ه راه یافتن به دل و روح آنها ه سخن گفتن بزبان آنها (البته این بمعنی سخن گفتن عامیانه نیست) درباره مسائل است که بیه از سایر مسائل مورد توجه و دلخواه انسانها است . وقتی انسان در مقابل جمیع کنیوری از مردم سخنرانی میکند ه فوراً احساس میکند که سخنان او را خوب درک میکنند یا نه ه انسان " رشته لازم سخن " را یافته است یا خیر ه در هرصه نطق و بیان کلاسیک شیوه هائی وجود ندارد که جای این کیفیت سخنرانی را بگیرد . شاعر بزرگ ما آنتونیو ماچادو گفته است : " وقتی بتوانم بزبان مردم صحبت بکنم دیگر موهبت بیشتری نیست که بتوانم آرزو کنم " .

البته ه تلویزیون و وسائل گفت و شنود سمعی - بصری همه امکانات تازه ای فراهم کرده اند که تا سافانه در دست بورژوازی نه برای پخش خبر و دادن اطلاعات ه بلکه برای پخش اخبار نادرست و

فریب از همان مردم مورد استفاده قرار میگیرد - ولی هیچ وسیله تکنیکی ه هر قدر هم که کامل باشد ه هیچوقت نمیتواند جانشین سخن زنده انسانها بشود ه انسانهایی که هدفشان بازسازی تاریخ در جهت پیشرفت و ترقی است - دیالوگ مستقیم و بلاواسطه رهبر سیاسی با مردم مانند گذشته بی همستاو ضرور است - من میتوانم حتی بگویم مردم مجرب تر و سخت گیر میشوند : آنها بخوبی درک میکنند که خطاب رهبران سیاسی به آنها چه وقت صادقانه است و چه وقت جعلی و دروغین -

- شما بمنزله يك زن ه يك مادر آزمون دشواری را از سرگذرانده اید : در آغاز فقر و تنگدستی و بیماری که درگذشته نصیب و قسمت خانواده های کارگران معادن بود دختران شما را ربود ه سپس در جنگ با فاشیست ها در اطراف استالینگراد پسران کشته شد - شما برای زنان کشورهای مختلف چه آرزو میکنید ؟ آنها باید چه نقشی در دنیای امروز ایفاء کنند ؟

- برای زنان چه آرزو میکنم ؟ مقدم بر هر چیزی صلح ه برطرف شدن خطر جنگ هسته ای که اگر آغاز شود ه بدون هیچ تردیدی ه در آن نه غالبی خواهد بود و نه مغلوبی - بدون صلح هیچ چیزی ممکن نیست - نخستین شرط تحقق هر طرح اجتماعی ه موجودیت خود جامعه است - بطوری که جنبش نیرومند صلح نشان میدهد (این جنبش در اسپانیا عبارتست از مبارزه علیه ناتو و جنبش طرفداران الفای همزمان بلوک های نظامی ه خلع سلاح و سیاست بیطرفی مثبت) زنان نیروی عظیمی را تشکیل میدهند ه آنها هم نه فقط از لحاظ کمیت و تعداد آنها ه بلکه از لحاظ صداقت مطلق آنها به کار خودشان - هیچ دگرگونی بنیادی انقلابی ه بدون جلب توجه های زنان ه بدون انرژی بس پایان ه حکمت و از خودگذشتگی آنان پایه و اساسی نخواهد داشت -

- شما در سیمای يك کمونیست چه صفات و خصوصیات را نمونه وار و مهتر از همه میدانید ؟ برای جوانان و نسل های تازه کمونیست ها چه چیزی آرزو میکنید ؟

- بمعنیه من وفاداری و صداقت بیدریغ در امر دفاع از منافع زحمتکشان و ستم دیدگان و مبارزه علیه تمام آشکال نابرابری اجتماعی از مهمترین خصوصیات اخلاقی و صفات يك کمونیست است - علاوه بر این پایداری و مقاومت آنان در برابر تمام دشواریها و تمام آزمون ها و حس هبستگی آنها را باید نام برد - این همان اخلاق کمونیستی است که بر پایه اصول عالی اخلاقی استوار است و نه از راه و روشی که تحمیل شده ه بلکه از اعتقادات خود انسان سرچشمه میگیرد - این آن اخلاقی است که من آنرا در شرایط باصطلاح " جامعه مرفعی " که بمعنای واقعی کلمه انسانها را در سلسله زنجیری از ارزش های جعلی و بدلی اسیر کرده ه بویژه با اهمیت میدانم -

خطاب به تمام جوانان ه به کمونیست های جوان ه میخواهم بگویم : آرزو منم در آینده میراث نسلهای انقلابی پیشین را حفظ کنید ه باین مبارزه ای که در راه دنیای بهتر و عادلانه تری است بقیه در صفحه ۳۹

در جهنم انصار وزیر شکنجه تسلیم نشدند

رافق سمهون

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست لبنان

خلفهای عرب سرگذشت های مربوط به اسیران ارد و گاه انصار را بمنزله یکن از شوم ترین نشانه های حمله اسرائیل به لبنان نسل به نسل برای یکدیگر تعریف خواهند کرد . گردانندگان اسرائیل که بانواع وسائل جنایات نازها در اُسونتسیم ، بوخوالد و اورادور را محکوم میکنند ، خودشان در جریان تجاوز به جنایاتی بهمان اندازه هولناک دست زدند . آنها این کار را برای ترساندن خلق ما و میهن پرستان لبنان و بمنظور سرکوب مبارزه بحق آنان در راه دفاع از سرزمین مقدس میهنشان انجام دادند .

ولی آیندگان در باره ارد و گاه انصار بمنزله سبیل درخشان قهرمانی و مقاومت در برابر اشغالگران اسرائیلی هم تعریف خواهند کرد . کمونیست ها و هواداران شان در صفوف قدم زندانیان انصار صفحه درخشان در تاریخ خلق ما و مبارزه اش علیه اشغالگران اسرائیلی به ثبت رساندند . این قهرمانان با نشان دادن استقامت بی نظیره ، مقاومت در برابر دشمنان و بدون اینکه در زیر شکنجه های سبعانه تسلیم شوند مردانه قیام کردند و ارد و گاه را به یکی از دژهای مقاومت میهن پرستانه در برابر دشمن مبدل ساختند . آنها با این عمل خود شگفتی و تحسین خلق ما و خلقهای دیگر را برانگیختند .

حال ببینیم در انصار چه اتفاق افتاد ؟ بگذار واقعیات و نامه های زندانیان و گواهی خود آنها درباره آنچه رویداد سخن بگویند .

ارد و گاه کار اجباری انصار در شمار بزرگترین ارد و گاههایی بود که نظامیان اسرائیل ، بلافاصله پس از هجوم خود به لبنان (۴ ژوئن ۱۹۸۲) ساختمان آنها آغاز کردند . اشغالگران دور محوطه وسیعی سیم خاردار کشیدند و در اطراف آن برجهای نگهبانی مجهز به نورافکن بپا کردند . ارد و گاه به ۳۰ شعبه یا بند تقسیم شده بود و در هر بندی ۲۰ چادر قرار داشت . بند ویژه ای هم وجود داشت که زندانیان را در آنجا شکنجه میکردند و آنها " چاله با زرسی " مینامیدند .

در ارد و گاه در زمانهای گوناگون از شش هزارو پانصد تا ده هزار نفر از لبنانیها و فلسطینیها و

از ساکنان شهرها، روستاهای جنوب کشور، مناطق کوهستانی و بخش غربی دره بقاع و بیروت نگهباناری میشوند. میان آنها کودکان و سالخوردهگان هم بودند: سن زندانیان بین ۱۳ تا ۷۳ سال بود. افرادی را که در انصار زندانی کرده بودند مشاغل و نظریات بسیار مختلف داشتند. در آنجا میشد به کارگر، دهقان، پزشک، مهندس، روزنامه نگار، نقاش، استاد دانشگاه، دانشجو، روحانی و پیشه ور برخورد کرد. برخی از آنها، از اعضای احزاب و سازمانهای میهنی لبنان و فلسطین بودند. تمام بازداشت شدگان پیش از آنکه به اردوگاه فرستاده شوند باید در مراکز ویژه "بازجویی" در اسرائیل از مرحله "اعتراف" بگذرند. در آن مراکز آنان را کتک میزدند و آنها را با شوک الکتریکی شکنجه میکردند. برای خرید کردن روحیه آنان بازداشتی را بی خواب نگه میداشتند، به سلولهای بطول دو متر و عرض فقط ۷۰ سانتیمتر که وسط آن ها قبلا چاله ای کنده بودند، میانداختند و تهدید میکردند که آنها را زنده بگور خواهند کرد. رفیق الیاس چنین تعریف میکند: "کمونیست ها هرگونه اتهامی را که به آنان نسبت میدادند قاطعانه رد میکردند و از جواب دادن به سئوالات امتناع میورزیدند. بازجویی ها معمولاً با کوششهای برای تمایل ساختن افراد به همکاری با دشمن همراه بود. اگر سهم به چیزی اقرار میکرد فوراً او را به اسرائیل میفرستادند تا همه چیز را اعتراف کند." ر. الیاس میگوید اگر زندانی سکوت میکرد بجای اسم، به او شماره ای الحاق میکردند و جای او در بخش نهائی یعنی در انصار بود.

بازجویی در اردوگاه هم ادامه پیدا میکرد. رفیق احمد میگوید "اگر اشغالگران اطلاع داشتند که زندانی عضو حزب کمونیست است و بطور مثال، در اتحاد شوروی تحصیل کرده است او را سؤال پیچ میکردند که در کجا و با چه کسی تحصیل کرده است و نظر سایر دانشجویان درباره اتحاد شوروی چیست؟ در کلاس درس درباره چه مسائلی صحبت میکردند و مانند اینها. در این قبیل موارد اسرائیلی ها میخواهند بطور مشروح از جزئیات هم باخبر بشوند. آنها همچنین میکوشیدند پی ببرند که فرد بازداشت شده در سازمانهای سیاسی و نظامی لبنان یا فلسطین عضویت دارد، چیزی درباره سایر اعضای این سازمانها و درباره عملیات نظامی که میهن پرستان لبنان انجام میدهند میدانند یا نه."

علاوه بر این پرسشنامه مفصلی به زندانی میدادند که پر کند. پرسشها درباره نظریات تئوریک و مذاهب و اعتقادات او و وضع روحی و زندگی شخصی بودند. او باید شرح حال خود را از ۱۶ سالگی به بعد یعنی تا روز دستگیری بنویسد. هنگام بازپرسی به زندانی سئوالات بیشماری داد میشد بدین شرح: "آیا کسی را دوست داری؟ پدرت مادرت را کتک میزند؟ بچه چیزی علاقمند هستی؟ آیا در کشورهای خارجی بوده ای؟ عضو اتحادیه های کارگری هستی؟ در کدام مدرسه تحصیل کرده ای؟ مدرسه مسلمانها یا مسیحیان است؟ از زندگی کردن در جمع مسیحیان خوشتر میآید؟ چگونه برخوردگ به اسلام داری؟ نظرت درباره کمونیسم چیست؟ نسبت به مصر چه نظری داری؟ درباره عراق چه

میگوشی ؟ اعضای سازمان آزاد بیهوش فلسطین شجاعند یا ترسو ؟ ارتش " دفاعی " اسرائیل بنظر تو نیرومند است یا ضعیف ؟ از تماشای گُرزید ا خوشت میآید ؟

خصلت و بیضمون پرسه ها جای تردیدی باقی نمیگذاشتند که اشغالگران بیهواستند انصار و سایر اردوگانهائی را که ساخته بودند به لا بر اتوار صهیونیستی برای انجام پژوهش های اجتماعی - روانی تبدیل کنند و آزمایش های خود را روی زندانیان انجام دهند . همچنین اینطور میتوان تصور کرد که اینگونه پرسشنامه هاویا ز پرسی ها برای پی بردن به افکار و روحیه اعراب و تعیین سطح پیشرفت آنها در عرصه های گوناگون بود ، همانطور که هیتلرها هم از این شیوه برای تهیه طرح طبقه بندی خلقها استفاده میکردند .

پیه از باز پرسی ، معمولاً ، دست و پای زندانی را می بستند و دو روز او را گرسنه نگه میداشتند . مرتباً روی او آب میریختند که نتواند بخوابد و سراسر شب او را دیت میکردند و جائی نگه میداشتند که صدای ناله و فریاد کسانی را که شکنجه میشدند بشنود . حساب دُرخیمان این بود که پیه از فرار سیدنا زمان باز پرسی روحیه زندانی را تضعیف کرده و مقاومت او را درهم شکنند . اگر زندانی از حرف زدن خود داری میکرد ، بشدت او را میزدند و بعداً نوبت به شیوه های آشکار غیر انسانی گرفتن " اعتراف " میرسید . مثلاً آلات تناسلی مرد ها را با گاز نبرهای مخصوصی تحت فشار قرار میدادند . معمولاً قربانی در نتیجه این عمل بیهوش میشد . سپس او را بیهوش میآوردند ، روی آب میریختند و با جریان برق شکنجه میدادند . الکترود ها را به گوشه ها ، زبان و حتی آلات تناسلی زندانیان وصل میکردند (در اینصورت ، در اکثر موارد شکنجه به عقیم و سترون شدن زندانی منجر میگردد) .

وسائل شکنجه صهیونیست ها عملاً بیشمار است . زمستان زندانی را لخت و برهنه به رختخواب خیس و یا به میله های طاری فلزی پنجره خارج از اطاق می بستند و یک شبانه روز بیشتر به همین حال نگه میداشتند . تابستان افراد را به سلول هائی که از حلبی ساخته شده و کف آنها را با میخ دنده دنده کرده بودند ، می انداختند ، آنها مجبور بودند با پای برهنه ساعتها و بلکه روزها در آنجا بمانند . گاه و بیگاه با کوبیدن هفتولهای آهنین به سلولها سر و صدای زجر آوری برآه میانداختند . اینطور بنظر میرسد که آزمایشی را روی موشهای لا بر اتوار بررسی و مطالعه میکنند تا ببینند آخرین حد سر و صدای که آنها قادرند تحمل کنند چقدر است . صهیونیست ها به شکنجه های روانی هم متوسل میشدند و بویژه هنگامیکه دردست آوردن اخبار و اطلاعاتی از زندانی توفیقی حاصل نمیشد . بطور مثال آنها تهدید میکردند که همسریا خواهر یا نامزد زندانی را هم بازداشت خواهند کرد و اگر این اسلحه هم کارگر نمیشد ، آنها را به زندان میآوردند و جلوی چشم زندانی به آنها تجاوز میکردند .

بسیاری از کسانی که جهنم انصار را از سرگردانند علیل بودند ، عده دیگری دیوانه و یا بشدت بیمار شده بودند . بعضی ها هم میزدند .

ماهیت ضد انسانی صهیونیسم تمام و کمال در انصار آشکار شد . نگهبانان بارها زندانیان را به گلوله می‌بستند و یا سگ های پلیس را بجان آنها می‌انداختند . آن سادست ها چند نفر را زنده بگیر کردند . در مواردی که زندانیان در صدد بر می‌آمدند بطور متشکل مقاومت کنند و علیه آنها از گازهای اشک آور و فلج کننده اعصاب که باعث سرگیجه و استفراغ و بیهوشی و در نتیجه سلب اراده از انسان میشدند استفاده میکردند . گاهی زندانیان را لخت میکردند و روی بدنشان داری حشره کف می‌ریختند . صهیونیست ها به تقلید از نازیها از شیوه دیگری هم بطور گسترده استفاده میکردند که به " شکار " شهرت داشت . در امتداد حصار سیم خاردار خط سفید رنگی روی زمین میکشیدند و هر کس تصادفاً پایش را روی خط میگذاشت و یا به آنطرف خط میرفت هدف " شکارچیانی " میشد که از روی برجهای نگهبان بوسیله تفنگهای مجهز به هدف گیر و خفه کننده صدا او را از پا در میآوردند . یکی از زندانیان در نامه ای بتاريخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۵ نوشته بود : " روزهای یکشنبه اردوگاه به میدان تیر واقعی میدل میشود . از صبح تا شب بالای سر ما صدای تیراندازی و صفیر گلوله است " . در ضمن اسرائیلیها در اکثر موارد گلوله های افشان بکار میبرند . یکی از کسانی که موفق شده بود از انصار جان سالم بدر ببرد تعریف میکرد که " پس از هریک از عملیاتی که مقاومت لبنان انجام میداد ما را نومه شب بیدار میکردند و از چادرها بیرون میآوردند و با اشکال مختلف مسخره و استهزا میکردند . بعداً خویشاوندان سر بازار اسرائیلی را که در لبنان بهلاکت رسیده بودند به انصار میآوردند و ما را به آنها نشان میدادند و میگفتند : " اینها قاتلین فرزندان شما هستند . آنها را بزنید ، با آنها فحش بد دهید ")

دند اشغالگران زندانیان انصار را عمداً با گرسنگی شکنجه میکردند . مواد غذایی که به انصار میفرستادند از میزان حداقل لازم هم خیلی کمتری بود . غذا را کم کم و بتدریج در اردوگاه تقسیم میکردند ؛ این شیوه هم از جمله برای افکندن اختلاف و بپا کردن مشاجره میان زندانیان بود . گاه و بیگاه جریان آب را قطع میکردند . وضع بهداشتی اردوگاه در نتیجه اقدامات عمدی مسئولان آنجا و وحشتناک بود و همین موجب اشاعه گریب ، سل ، تیفوس و اسهال خونی در اردوگاه میشد .

با اینهمه و صرف نظر از شرایط غیر انسانی ورنج و ذهاب و زندانیان انصار مردانه در برابر درخیمان مقاومت میکردند . آنها از گلوله هم بیم وهراسی نداشتند و سلاح عمده شان علیه شکنجه های طاقت فرسا اراده محکم بود . تلاش دشمن برای تفرقه افکنی میان زندانیان با وحدت آنها روبرو میشد و وحدتی که بدون توجه به تعلق به این یا آن قشر و جریان اجتماعی و وابستگی به این یا آن حزب و سازمان سیاسی شعار همگان بود . فقط در پرتو نیروی اراده و وحدت آنها میتوانستند درون اردوگاه بیاباره خستگی ناپذیر خود ادامه دهند . به اقدامات اعتراض آمیز دست بزنند و برخی از اوقات هم آشکارا قیام کنند . اتفاق می افتاد که اشغالگران که تا دهنه ان مسلح بودند و به مدرن ترین وسائل اعمال قهر مجهز شده بودند از ورود به بلوکی که قیام کرده بود بیم داشتند و مجبور میشدند بمذاکره با عصیان

کنندگان تن درد هندی .

در آغاز میان زندانیان نافرمانی انفرادی رواج داشت . سپس شرقی‌ترین عناصر و مقدم بر همه کمونیست‌ها به جستجوی راه‌های پرداختن که عدم اطاعت را دسته جمعی کنند . زیرا چنین مقاومتی را با دشواری بیشتری میشد سرکوب کرد و علاوه بر این تأثیر روانی زیادی هم در خود زندانیان و هم در اشغالگران داشت .

کمونیست‌ها از اینجا شروع کردند که همه در فکر چنان آشکالی برای اعتراض باشند که بتوانند به بزرگترین موفقیت انجامد . در عین حال همراه با نمایندگان نیروهای دیگر در اردوگاه حوزه های روشنگرانه سازمان دادند . در جریان آموزش توجه اصلی به استحکام وحدت زندانیان و جلب فرد آنان به مبارزه مشترک جمعی مبدول میشد : زندانیان وسائل چاپ روزنامه مخفی را فراهم کردند و پوسترو و ترانسپاران برای تظاهرات و اقدامات اعتراض آمیز تهیه میکردند و برای انجام این کارها از جمعیتهای مقاومتی ، جوانان ، گوتی و تکه پاره های چادرها استفاده میکردند .

برای بالا بردن روحیه زندانیان هم کارهای زیادی صورت میگرفت . زندانیان میکوشیدند در حدود امکان از گفتگو درباره خانواده های خود و فرزندان ویا نامزد خویش یعنی درباره آنچه که بیهی از هر چیز احساسات انسان را تحت تأثیر قرار میدهد کمتر صحبت کنند و برای رفع حالت یأس و نومیدی بیکدیگر کمک میکردند . رفیقان میکوشیدند از کسانی که وضعشان بیویژه دشوار بود مواظبت بیشتری بعمل آورند . هنگام تقسیم غذا عدالت کاملاً مراعات میشد و زندانیان بخشی از غذا و داروهای خود را به بیماران میدادند . تمام تلاش اشغالگران برای اینکه گروهی از زندانیان را با دادن امتیازاتی از بقیه جدا کند خنثی میشد . منظور انجام مذاکرات با اداره اردوگاه نمایندگان با اختیارات لازم از طرف زندانیان انتخاب شده بودند . بعد ها هم کمیته متحدی برای این کار تشکیل گردید . در ایجاد این کمیته کمونیست‌ها نقش مهمی بعهده داشتند .

مشی وحدت نیروها که از طرف اعضای حزب ما ، طرفداران آن و سایر زندانیانی که از آگاهی سیاسی برخوردار بودند اعمال و تبلیغ میشد به تحکیم قاطعیت و مقاومت افراد و باعقاد آنان به غلبه بر دشمن کمک میکرد .

عدم اطاعت جمعی از اشغالگران آشکال مختلف پیدا میکرد . در آغاز کاره زندانیانی که بین خود به توافق رسیده بودند در نتیجه های شب و در تمام بلوکها و آن واحد باز نگاسمها و دیگرچه ها بهم سرو صدا راه میدادند و یا یکصداه همه با هم سرودهای میهنی میخواندند . بعد ها به اقدامات دیگری مانند امتناع دسته جمعی از خوردن غذا به نشانه اعتراض علیه شکجه کردن زندانیان باگرسنگی و وضع وحشتناک اردوگاه از لحاظ پاکیزگی و بهداشت و برخورد وحشیانه نگهبانان با زندانیان دست زدند . اقداماتی از قبیل آتش زدن چادرها از طرف زندانیان و خراب کردن آنچه در اردوگاه بوده

حمله به دژخیمان و گاهی خلع سلاح کردن آنان هم بعمل میآید . بارها برای فرار دسته جمعی هم کوششهایی شد . با وجود شرایط دشوار اردوگاه زندانیان روزهای یادبود مهم سیاسی و ملی را برگزار میکردند که روز استقلال لبنان ، سالروز آغاز انقلاب فلسطین ، تأسیس حزب کمونیست لبنان و روز یادبود کمال جبهه لایدر میهن پرست از جمله آنها است . بسیاری از این اقدامات به درگیری با نگهبانان منتهی نمیشدند ، بعضی ها هم به هلاکت میرسیدند .

زندانیان انصار روپه گرفته بهیچ از ۳۰ بار قیام کردند . شرح همه آنها غیرممکن است . من فقط به نگاره چگونگی سازمان دادن یک فراور اینکه شصتیمین سالگرد حزب کمونیست لبنان چگونه برگزار شد بسنده میکنم .

اوایل کاره زندانیانی که قصد فرار داشتند ، سعی میکردند از لایله سیم خایندار راهی باز کنند . پس از آنکه اشغالگران تدابیر تازه ای علیه این کار اتخاذ کردند و حصار سیم خاردار را محکمتر ساختند یگانه امکانی که باقی ماند نقب زدن در زیر زمین بود . بطوریکه از هر بلوک مستقیماً راهی به خارج باز کنند . نخستین آزمایش نقب زنی با ناکامی روبرو شد . دوم اوت سال ۱۹۸۳ دو روز پیش از موعد فرار ، اسرائیلی ها راهرو سفی شری زیر زمین را پیدا کردند . ولی این عدم موفقیت زندانیان را نوهید نکرد . نقب بعدی را ۲۳ نفر کنند . آن نقب از دو مترونیسی در عقب زمین آغاز میشد و درازای ۲۷ متر بود . آنوقت چهار تن موفق به فرار شدند ، نفرینجم در میان سیمهای خاردار سردرگم شد و توجه نگهبانان را جلب کرد . باین ترتیب فرار گروه بزرگی از زندانیان عقیم ماند .

پس از این رویداد اشغالگران اردوگاه را به محلی بنام وادی جهنم که میان دوکوه کم ارتفاع قرار دارد منتقل کردند . آنجا کف زمینی چادرها را سمیت کرده بودند . برای سوراخ کردن آن حتی از قاشق و چنگال هم استفاده میکردند . یکبار زندانیان ، پس از آنکه یک نقب دوازده متری حفر کردند متوجه شدند که به دانه سنگی کوهی رسیده اند و دیگر راهی به جلو نیست . با وجود این آنها از کوشش باز نایستادند و در جایی دیگری نقب زدند . موعد فرار را ۱۷ ماه مه ۱۹۸۴ یعنی سالروز امضای موافقت نامه "خانثانه" میان لبنان و اسرائیل تحت حمایت ایالات متحده آمریکا معین کرده بودند . اینبار نقشه "فرار" با موفقیت توأم بود . رهبری عملیات با احمد علی رمضان کمونیست بود . او خود را در مقابل گلوله ها برای رهائی رفقای حائل کرد و به هلاکت رسید .

قیام و شورش زندانیان و فرارهای متعدد اشغالگران را دائماً در اضطراب و پریشانی خاطر نگه میداشت و روحاً تضعیف میکرد . همانطور که عملیات مقاومت میهن پرستان در سراسر اراضی اشغالی آنها را کوفته و فرسوده کرده بود .

۲۴ اکتبر سال ۱۹۸۴ که مصادف با جشن شصتیمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست لبنان بود به نمایش درخشان نیروی معنوی و وحدت زندانیان مبدل شد . کمونیست ها از چند روز پیش از آن برای

برگزاری جشن آماده میشدند . زمان تشکیل میتینگ و مضمون شعارها معین شد و بر سراسر کسانیه که باید سخنرانی کنند بتوافق رسیدند . شعارها را با خمیر دندان روی جمبه های نقاشی نوشتند . یاد داشت هاش را که حاوی دستورات مشروح بود به سنگ می بستند و از بلوک به بلوک دیگری انداختند . شماره ویژه روزنامه غرطنی " انصار " که به آن سالروز اختصاص داده شده بود منتشر شد . در روزنامه درباره اهمیت آن روز تاریخ و اینکه چگونه زندانیان میتوانند در مقابل اشغالگران مقاومت کنند مطالبی چاپ شده بود و بر اهمیت اقدامات مشترک (هم درون اردوگاه و هم در همه جا خارج از آن) برای آزاد ساختن اراضی اشغالی و پیروزی در انجام وظایف ملی تأکید میشد .

ما اینک رشته سخن را به یوسف سلطانی ه از شخصیت های مذ هبی واگذار کنیم . او یکی از زندانیان بود و از اردوگاه طی نامه ای به مصطفی معروف سعد که از لیدران برجسته میهن پرست بود اینطور نوشته بود : " برادر عزیز ابومعروف ! میخواهم شرحی از آنچه روز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۸۴ در جشن شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست لبنان رویداد برای بنویسم . جشن روز چهارشنبه بود . ساعت دو و سی و پنج دقیقه یک افسر اسرائیلی به بلوک ما آمد و خواست پوستری را که در ارتباط با جشن آویخته بودیم برداریم و پرچم سرخی را هم که بالای تریبون در اهتزاز بود که برای میتینگ ساخته شده بود پائین بیاوریم . جواب ما این بود که " پس از میتینگ همه چیز را جمع میکنیم " . افسر اصرار میکرد ولی ما عزم راسخ داشتیم همه چیز را همانطور که بود تا آخر جشن نگهداریم . بالاخره او که طاقتش را از دست داده بود رفت . وقتی او رفت من پیشنهاد کردم میتینگ را شروع کنند . چند نفر هم سخنرانی کردند . من از طرف مقاومت میهنی اسلامی صحبت کردم . هنگام صحبت کردن من رئیس بلوک با ۳۵۰ سرباز سر رسیدند . آنها بلوک ما را محاصره کردند و برای مجازات ما آماده شدند . در اینجا بود که ما بهترین صفات خود را بروز دادیم . وقتی سربازان وارد محوطه بلوک شدند همه سرجای خود ایستادند و به حرفهای من گوش میدادند . سه مرتبه تریبون خطابه مانده اسرائیلی ها نارنجک های حاوی گاز اشک آور بسوی ما پرتاب کردند و منظور پراکنده ساختن ما و بهم زدن میتینگ شروع به تیراندازی کردند . آنها فقط وقتی به مقصود خود رسیدند که ما دیگر قادر به تحمل این گاز وحشتناک نبودیم . آنوقت مسلمانها ، ناصری ها ، کمونیست ها ، لبنانی ها و فلسطینی ها همه به دشمن حمله ور شدند و او را از محوطه بلوک بیرون راندند خیلی خوب شد که بهر حال ما موفق شدیم جشن را به آخر برسانیم . دشمن چهار بار دیگر کوشید بما هجوم آورد ولی همه آنها با عدم موفقیت روبرو شد . اراده زندانیان غلبه کرد و پیروز شد . دشمن حقیقتاً ترسیده بود و از قاطعیت ما متعجب و دیوانه شده بود . منظره واقعاً عالی هنگامی بود که همه بپا خواستند و همه با هم تکرار میکردیم : " زندانیان انصار متحد شوید ! "

مقاومت و پایداری زندانیان نه فقط در اقدامات مختلف اعتراض آمیز و عملیات آشکار بروز کرد .

آنها توانستند در شرایط اردوگاه نمونه های خلاقیت هنری هم بوجود آورند . بسیاری از آنها بسکارها^۱ دستي با خاصائص ملي خود مي پوره اختنده داستانهاي پرمعني و ژرف مينوشتنده و اشعاري نغز و هيوجان انگيز ميسرودنده كه بعداً ميخفيانه به خارج از انصار فرستاده ميشده تا در نشریات لبنان چاپ شود . نقاشي^۲ های جالب و پيكره های زیبایی می آفریدند كه مبارزه در زندان را نشان میداد و موضوع آنها آزادی یا موضوعهای مبهنی بود . تمام این آثار گوناگون زندانیان انصار بعد ها در نمایشگاه متحرک در لبنان و در سایر کشورهای بمنزله نشانه مقاومت قهرمانانه در برابر اشغالگران اسرائیلی به نمایش گذاشته شد .

مردم کشور ما و از جمله آنها نيکه دستگیر و در انصار زندانی شدند با اقدامات خود با ثبات رساندند كه از اشغالگران و شكجه های سادیستی و سیم خاردارشان قوی ترند . بالاخره روزی فرار سید كسه اسرائیل تحت فشار جنبه مقاومت مبهن پرستان كه در خود اردوگاه گسترش یافته بود در تمام مناطق اشغالی ادامه داشت ناچار شد انصار را منحل سازد . بخش بزرگی از زندانیان آزاد شدند . ولی تجاوزكاران عده زیادی را هم به زندانهای اسرائیل گسیل داشتند یا به زندانهای كه در بخش جنوبي اشغالی لبنان ساخته بودند (مانند آتلیمه ، اسکالون ، الخيام و غيره) منتقل كردند . هنوز هم به شكجه و عذاب آنها در این زندانها ادامه میدهند .

بگذار تمام مردم شریف جهان مانند يك تن واحد صدای خود را بلند کنند و شیوه های فاشیستی را كه صهیونیست ها در برابر انظار جهانیان عملاً بكار ميبزنند با خشم و انزجار محكوم نمایند و آزادی بید رنگ تمام زندانیانی را كه از لبنان بخارج منتقل گردیده اند و مانند گذشته در زندانها در رنج و عذاب بسر ميبزنند ، خواستار شوند .

دشمنان کیستند؟

مطبوعات بورژوازی به آنها " مجاهدین " لقب داده است . پرزیدنت ریگان از " مهمان پرستانی " سخن میگوید که در راه آزادی مردم افغانستان مبارزه میکنند . ولی در خود افغانستان آنها را دشمن مینامند . ببینیم در واقع امر آنها کیستند ؟

از تاریخ گذشته نزدیک

۲۷ آوریل سال ۱۹۷۸ در کابل برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انقلاب ملی - دموکراتیک^{تیک} ضد فئودالی و ضد امپریالیستی آغاز گردید . این انقلاب در کشوری با اقتصاد عقب افتاده و مناسبات اجتماعی منسوخ صورت گرفت . انقلاب فئودالها و عمال آنانرا از صحنه جامعه طرد کرد . دگرگونیهای بنیادی در زندگی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگ و سیاسی آغاز گردید .

تحولات مرفی در افغانستان با مقاومت شدید ارتجاع داخلی و واکنش سخت ارتجاع بین المللی برهبری هیئت حاکمه ایالات متحده آمریکا روبرو شد . در همان سال ۱۹۷۸ واشنگتن شروع به ایجاد جبهه ضد انقلابی افغانستان کرد . آنها بحساب مهاجرین طرفدار رژیم سلطنت و گروهبندها و سازمانهای اسلامی و ملی گرای افراطی و همچنین " چپ " های افراطی دست به این کار زدند . کشورهای امپریالیستی با سخاوت بسیار آنان را از لحاظ مالی تأمین کردند . میزان کمک خارجی به ضد انقلابیون افغانستان در حدود یک میلیارد دلار در سال است . بخش بزرگی از این مبلغ را ایالات متحده آمریکا می پردازد و بقیه را برخی از کشورهای ناتو و همچنین ژاپن ، عربستان سعودی ، اسرائیل و چین میدهند .

این پولها برای تقویت سازمانهای ضد انقلابی موجود و ایجاد سازمانهای تازه و همچنین برای حفظ اردوگاهها و پایگاههای آنها و تعلیم و تجهیز دسته های اشرار بصرف می رسد . ادارات جاسوسی کشورهای امپریالیستی و برخی از کشورهای آسیای اژهمان آغاز به تشکیل این قبیل دسته ها و گروهها پرداختند . هزاران تن از افغانها که قریب تبلیغات زهراکین را خوردند کانون خانوادگی و محل زندگی خود را رها کرده و بیخارج (بطور عمد به پاکستان) رفتند . در آنجا این افغانها را در اردوگاه هایی که ایجاد شده در زیر چادرها جا دادند . سپس افرادی را که با تبلیغات ترساننده و وبه فقروا س و نومیدی کشانده اند گرد آورده و از آنها صغوف باصطلاح مجاهدین را بوجود آوردند . در پیشاور مرکز ایالت شمال غربی پاکستان که به لانه زنبور واقعی ضد انقلاب افغانستان مبدل

شده است نخستین گروه مزدوران از ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایران و عربستان سعودی هم‌پوجود آورد. شده است. بسیاری از آنها دارای تجربه فراوان از "جنگ‌های چرکین" علیه مپهن پرستان ویتنام، کنگو، رودزیا و آنگولا میباشند.

در سال ۱۹۷۸ ارسال اسلحه، به مقدار زیاد برای ضدانقلابیون آغاز گردید. اسلحه را از طریق مراکز جاسوسی که شبکه‌های را سازمانهای اطلاعاتی ویژه ایالات متحده آمریکا در طول مرز پاکستان و افغانستان ایجاد کرده‌اند، میفرستادند. بژینسکی معاون ریاست جمهوری در امور امنیت ملی در آن سالها از جمله کسانی است که نقش بسیار جدی در سازماندهی ارسال اسلحه ایفاء کرد (۱). تدارک مستقیم برای آغاز جنگ به متخصصین سیا بسپرستی ل. دیویری واگذار گردید. آنها گروههای تروریستی و خرابکار را برای گسیل داشتن به افغانستان گرد هم می‌آوردند و وسائل آموزشی آنها را فراهم میساختند (۲). بدین منظور یکمک سازمانهای ویژه ایالات متحده آمریکا نزدیک به ۱۲۰ اردوگاه تعلیماتی و تمرین ایجاد گردیده است. در آنجا زیر نظر کارشناسان و مربیان آمریکایی و فرانسوی، انگلیسی و اسرائیلی، مصری و پاکستانی "مجاهدین" طرز یگار بردن سلاحهای مدرن و وسائل تخریب و مواد منفجره را فرامیگیرند و با شیوه‌های دقیق ترور آشنا میشوند. از سال ۱۹۷۹ ستاد سیا در اسلام آباد مرتباً مشغول فعالیت است و عملیات جاسوسی و تروریستی و نظامی در افغانستان را هم آهنگ میکند.

در عین حال بوسیله برنامه‌های رادپوش و تراکت و بروشورهای که افغانستان را به خرابکاری و قیام علیه دولت و انجام عملیات تروریستی فرامیخوانند فکرو ذهن اهالی را بشدت تحت تاثیر قرار میدادند. در یکی از بروشورها قتل عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان را با سی هزار دعا و نیایش بدرگاه خدا برابر قلمداد کرده بودند.

در همان آغاز سال ۱۹۷۹ تدارک برای جنگ به مراحل آخری خود رسید. دولت آمریکا کمک اقتصادی به افغانستان را قطع کرد و بازرگانی با جمهوری دموکراتیک افغانستان را محدود ساخت. در فوریه پریزیدنت کارتر در برنامه تلویزیونی سی-بی-سی آشکارا به استفاده از نیروی نظامی برای دفاع از "منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا در خاور میانه" تهدید کرد. بعداً بزودی هزاران تسن از شورشیان از گذرگاه‌های که پیشاپیش آماده شده بود از مرزها گذشته و به عمق اراضی افغانستان راه یافتند. دسته‌های ضدانقلابی را نظامیان پاکستانی تقویت میکردند و بعضی از آنها حتی رهبری اشرا را هم بعهده گرفتند.

1- Time, June 11, 1984, pp. 10-13.

2- The Secret War of CIA against Afghanistan. Kabul, 1984, pp. 8-10.

در لانه ضد انقلاب

اینک هفت سال است که جنگ اعلام نشده علیه مردم افغانستان در جریان است - ایالات متحده آمریکا این جنگ را بدست خود افغانها ادامه میدهد . اکنون بیش از ۸۰ گروه ضد انقلابی و سازمانها گوناگون که ستادشان در پاکستان و بخشی در ایران است در این جنگ شرکت دارند . زاد و ورود خانواده های ثروتمند فتودال و نمایندگان روحانیون متحول این دار و دسته ها را تهییج و ترغیب میکنند . اینک با نشان دادن چند نمونه چهره لیدران گروههای ضد انقلابی را که در مبارزه علیه حاکمیت خلق بیخی از دیگران فعالیت بیخروج میدهند فاش و برملا میسازیم .

ک . حکمتیار سرپرست باصطلاح " حزب اسلامی افغانستان " است . او که سردسته گروه بندی متعصب و تروریست " اخوان المسلمین " است و میکوشد رسوم و خرافات قرون وسطایی را حفظ کند ، از سالهای ۶۰ با سیا ارتباط برقرار کرد . او شخصاً در عملیات تروریستی شرکت میکند . در سال ۱۹۷۰ به جرم قتل یکه دانشجو زندانی شد ، ولی بزودی بکمک روسای خود ، از جمله با Moran سازمانهای اطلاعاتی ویژه آمریکا آزاد گردید .

پس از سقوط رژیم سلطنت او دارودسته ای تشکیل داد که از اراضی پاکستان به افغانستان هجوم آورده و به غارت اموال مردم میپرداخت . فهرست " قهرمانی های " او با اقدامات و عملیات خونینسی تکمیل میگردد . بطور مثال ، گروهک حکمتیار در سال ۱۹۷۵ در قندهار سه روستایی را زنده و زنده سوزاند .

اواخر سال ۱۹۷۸ حکمتیار لیدر " حزب اسلامی افغانستان " شد و در پایگاههای پاکستان که با کمکهای سخاوتمندانه ایالات متحده آمریکا ایجاد گردیده ، دارودسته ای بوجود آورد که تعداد اعضای آن بسیار زیاد است . افراد همین دارودسته چهار رستوران را در کابل منفجر کرده اند ، اهالی قشلاق میان پشت را زنده و زنده سوزاند ، اند ، هزارهها را بدمرگها بیمارستان و پهل و مسجد را ویران کرده اند . خود او از جمله ، ۱۲۰ نفر را فقط بجرم اینکه حاضر نشدند در عملیات مسلحانه علیه حاکمیت خلق شرکت کنند ، تیرباران کرده است .

حکمتیار که خود را در صفت " مجاهدین " مؤمن جا زده است ، بیخی از هر چیز در اندیشه گردآوری پول و ثروت است . او از راه اخاذی ، غارت و چپاول و فروش اموال مسروقه و همچنین از راه فروش اسلحه به اشرار و با معاملات مواد مخدر ثروت هنگفتی بهم زده است . او از بجیب زدن پولهایش که سازمان ملل متحد بعنوان کمک برای " فراریان افغانی " میفرستد ابائی ندارد .

سایر سرکرده های دشمنان نیز از حرص و پولدوستی و شقاوت بد رجه سادیستی بی بهره نیستند . من گیلانی لیدر باصطلاح " جبهه ملی اسلامی افغانستان " است . او که از اشراف زادگان افغانستان

میباشد در رژیم سلطنت از نزدیکان شاه بود. او که از زمینداران بزرگ است در ضمن فروش اتومبیل‌های "پژو" فرانسه را هم در اختیار خود داشت و صاحب چند ویلا در لندن و پاریس است. او مدتی در خدمت سازمانهای جاسوسی انگلستان بود و بعد ها عامل جاسوسان سیا شد. پس از انقلاب آوریل (ثور) به پاکستان گریخت و در اردو سته ای سرهم بندی کرد. در دستوراتی که به سران دارو سته خود میدهد از آنها تنظیم فهرست اساسی اشخاصی را طلب میکند که با دولت قانونی همکاری میکنند (از جمله روحانیون) تا بعداً آنها را نابود کند. سلطنت طلبان از طرفداران او هستند.

م. مجددی هم که سرکرده "جبهه ملی آزادی افغانستان" گذاشتی است از سلطنت طلبان میباشد. او هم از خانواده فقوودالها و روحانیون اعیان و ثروتمندان است. پیش از انقلاب مالک دو هکتار زمین بود.

م. نبی روحانی مشهور و مالک بزرگ در رأس "جنبش انقلابی اسلامی" قرار دارد. در رژیم پادشاهی او با پلیس مخفی همکاری میکرد. او به دزدیدن مبلغ هنگفتی از صندوق حزب خود متهم بود. با شبکه اطلاعاتی نظامی اسرائیل یعنی موساد در ارتباط است. این "مفادی حفظ اخلاق و پاکیزگی اسلامی" وعده میدهد که مردم افغانستان را از چنگ "سرمایه داری" بیدینی و کمونیسیم برهاند.

لیدر "جامعه اسلامی افغانستان" دکتر در علوم دینی پ. ربانی است که در گذشته مالک بزرگ بود و فرزند هم صادر میکرد. او در بانکها با اساسی جعلی مبالغ هنگفتی پول وسپرده دارد. دسته های اشرار این تروریست "خدا شناس" علاوه بر کشتار مردم بیگناه و برپا ساختن حریق و انفجار به صدور مخفیانه مواد مخدر به ایران و اشیاء و اموال غارت شده به پاکستان هم اشتغال دارند.

بطور کلی سازمانهای ضد انقلابی "مجاهدین" کارهای مشترک دارند و آن سرنگونی حاکمیت خلق است. آنها با استفاده از بیسوادی تقریباً تمام اهالی و مذہبی بودن آنها و عادت به تبعیت از خانها و سران قبایل و ملاکان که میراث قرون گذشته است و زیر پرده دفاع از اسلام عمل میکنند. در ضمن آنها اسلام را نه بعنوان آموزه دینی و بلکه بمنزله راه ویژه ای برای پیشرفت و ترقی معرفی میکنند که با راه رشد سرمایه داری و سوسیالیستی فرق دارد و بعلاوه از اولویت استفاده از قوانین الهی هم برخوردار است. فراهوان ضد انقلاب بجارزه در راه آزادی میهن از "دولت کافر و خدا شناس" و برقراری موازین اسلامی در زندگی جامعه افغانستان هم از اینجا سرچشمه میگردد.

سرکردگان ضد انقلاب جز بهای دینی را برای دفاع از منافع طبقات استثمارگر ماهرانه مورد استفاد قرار میدهند. بطور مثال و آنها میگویند اصلاحات ارضی بدست پسر خراف اسلام است. آشتی طبقات هم در تبلیغات آنها دارای جای ویژه ایست. در ضمن توجه این نکته هم هستند که ستن قبیلنسه ای و عشیره ای ماهیت استثمار فئودالی را که در افغانستان پیش از انقلاب وجود داشت بیپوشانند. هدف

" مجاهدین " برانگیختن مردم علیه دگرگونیهایی بنیادی اجتماعی - اقتصادی است .

کین نفرت مشترک دشمنان نسبت به انقلاب آوریل مانع پیدایش تضاد های شدید میان آنان نیست . این تضاد ها زائیده عدم تجانس ملی - قومی و تعلق داشتن به مکاتب و جریانهایی گوناگون اسلامی و منافع شخصی و رقابت میان سرکردگان آنها است . وجود تضاد در قاصد و هدفها و برنامه های دارودسته های مختلف هم نقش معینی ایفاء میکند . هدف برخی از آنان ایجاد " جمهوری اسلامی " در افغانستان است و گروه دیگری درباره دفاع اهالی در برابر " کفار " سخن میگوید و دسته سوم خواهان بازگشت رژیم سلطنت است . این تضاد ها اغلب به برخورد های مسلحانه میانجا در چنین شرایطی بود که کوشش های فراوان بمنظور متحد ساختن سازمانهای بزرگ ضد انقلابیون مسدود درازی با شکست روبرو میشد . فقط در سال ۱۹۸۴ زیر فشار سیا ، که در هم آهنگ ساختن عملیات آنها ذینفع است " اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان " در ویشاور سرهم بندی شد . هفت سازمان و از جمله گروهک های حکمتیار و ربانی و گیلانی در این اتحاد شرکت دارند .

لیدران ضد انقلاب امیدوارند از این آلیانس برای گرفتن کمک خاصی بیشتر استفاده کنند . ولی میدانیم که توزیع و تقسیم این کسک همواره یکی از مسائل عمده و مورد اختلاف بوده است . بطوریکه " واشنگتن پست " اطلاع میدهد و شرکت کنندگان در آلیانس تاکنون به وحدت سیاسی و نظامی نرسیده اند . علاوه بر این هنگام بحث و مذاکره درباره تهیه و تدوین استراتژی مشترک هفت تن از سران " جامعه اسلامی افغانستان " را اعضای گروه حکمتیار تیرباران کردند .

ترور سلاح آنان است

میان ضد انقلابیون هر نوع اختلافی هم وجود داشته باشد و شیوه مبارزه آنها یکسان است . این شیوه ترور به خونین ترین اشکال آن میباشد . طی ۷ سال قتل و ظارت پر دامنه و هزاران تن بیگناه بدست آنها بهلاکت رسیده اند . چهره دژ خیزی دشمنان نفرت انگیز است . آنها به هیچکس نه به زنان و نه به سالخوردگان و کودکان رحم نمیکنند . قتل و کشتار با شکنجه های سادیستی و اعمال قهر و وحشیانه همراه است . دارودسته های اشرار برای هریک از جنایات خود میزان معینی دستمزد میگیرند و کشتن آموزگار و ملا و کارمند دولت یا کارکنان حزبی و پزشک و هنرمند و نظامی و آتش زدن مدارس و بیمارستان ها و منفجر کردن پلها و یا خرابکاری در مؤسسات صنعتی هریک اندازه معینی دستمزد دارد .

این مزدوران ارتجاع بین المللی که در دگرگونیهای مستقیم با ارتش افغانستان با شکست مواجه میشوند ، نومیدانه به عملیات جنایتکارانه ای دست میزنند که از این قبیل است : مسموم ساختن دختران دانش آموز دبیرستان دخترانه کابل - صد دانش آموز ۱۵ تا ۱۸ ساله در نتیجه این جنایت مسموم

شدند (۱۴ نفر از آنها به هلاکت رسیدند) ه منفجر کردن سینمائی در مرکز شهر کابل (هنگام نماز صبح) فیلم برای بچه ها) ایجاد انفجار در فرودگاه کابل و در اتوبوس برقی در نقاط وساعات پررفت و آمد و یاد در میدان پر جمعیت شهر .

" مجاهدین " که خود را مدافعان اسلام قلمداد میکنند روحانیون را هم به قتل میرسانند و اما کفن مقدس مسلمانان را هم ناپود میکنند . آنها در مسجد دانشکده " پلی تکنیک کابل همین را منفجر ساختند ه به حیاط مدرسه دارالحفاظ نارنجک پرتاب کردند ه هتل زائربنی را که برای زیارت به مزار شریف آمده بود منفجر کردند (گفته میشود که گور خلیفه چهارم علی که افغانها او را بزرگترین پیشوا و امام خود میدانند در این شهر است) ه با کمال خونسردی به مسجد جامع شهر هرات که از اماکن مقدس مسلمانان است به تنگام نماز جماعت موشک پرتاب کردند . در طول مدت ادایه جنگ اعلام نشده علیه مردم افغانستان صد ها تن از نمایندگان روحانیون بدست دشمنان به قتل رسید ه اند که کریلائی مولانا عبدالحمید متولی مسجد اصلی کابل هم از جمله آنان است (۱) .

مستشاران امریکائی از شرکای بلاواسطه این عملیات جنایتکارانه اند . اخیراً یادداشت های روزانه شخصی بنام چ . تورنتون که در جریان درگیری میان دسته های اشرار رقیب در شاه ولی کت از توابع قندهار بقتل رسیده ه انتشار یافت . در این یادداشتها گفته شده است که چگونه او سایر " متخصصین " سیا که بعنوان پزشک و روزنامه نگار به پاکستان آمده بودند ه به دشمنان تعلیمات نظامی میدادند و آنان را برای انجام عمل ویژه وحشیانه ای که تا پود ساختن هواپیمای کشوری شرکت هواپیمایی افغانستان بوسیله موشک ساخت امریکا بود آماده میکردند . در این جریان ۲ نفر از جمله چند زن صچه کشته شدند .

دو تن از اشرار که دستگیر شده بودند در یک صاحبه مطبوعات شرح میدادند که دشمنان که او نینفورم سربازان افغانی و اتحاد شوروی را بتن کرده بودند (چنانکه میدانیم ه واحد محدودی از ارتش شوروی بنا بخواهش دولت افغانستان در آن کشور بسر میرد) بدستور مستشاران امریکائی به قشلاق های بیدفاع حمله میکردند (از جمله به قشلاق علی سنگی در ولایت پکتیا) . امریکائیها از جنایات این " مجاهدین " فیلم میگرفتند و بعداً آنها در تلویزیون کشورهای غریب بمنزله " نمونه واقعی " عملیات سربازان شوروی و افغانستان علیه مردم بیدفاع نشان میدادند .

کوشش های دهشتباری هم بمنظور استفاده از سلاح شیمیائی در جمهوری دموکراتیک افغانستان (همراه با تسهم ساختن نیروهای مسلح شوروی در کنار بردن آن) بعمل میآمد . بچ های شیمیائی

1- Martyred for the Cause of the Truth. The true Moslems murdered by the "Mujaheddin". Kabul, Government Printing Press.

ساخت آمریکا و دستورات کنیی " لیدران اسلامی " درباره چگونگی استفاده از این بچ ها علیه اهالی گواه روشنی براین مدعا است (۱) .

اسناد واقعی افشا کننده جنایات دشمنان و روابط نزد یکشان با مؤسسات رسمی ایالات متحده^۱ آمریکا و متحدین ناتوی آن در کابل منتشر شد (۲) .

اشرار تلاش میکنند نظام اقتصاد افغانستان را برهم زنند و وسائل حمل و نقل و ارتباط کشور را فلج سازند و تولید محصولات را متوقف کنند . طی سالهای جنگ اعلام نشده آنها ۱۸۱۴ ساختمان مدرسه و ۳۱ بیمارستان را ویران کرده اند . ۹۰۶ تعاونی روستائی را غارت نموده اند و ۴۱ هزار کیلومتر خطوط ارتباطی را نابود ساخته و تعداد زیادی پل را ویران کرده اند . زیان مادی مستقیم این عملیات ۳۵ میلیارد افغانی است که بیش از $\frac{۳}{۴}$ مجموعه سرمایه و اعتباراتی را تشکیل میدهد که دولت طی ۲۰ سال پیش از انقلاب سال ۱۹۷۸ در اقتصاد افغانستان سرمایه گذاری کرده بود .

وقتی نقاب ها پس زده شد

هدف این ترور و انهدار بی ثبات ساختن وضع کشور و ترساندن اهالی و متزلزل ساختن اعتقاد آنان به توانائی دولت در امر استقرار زندگی عادی در افغانستان است . ولی همه چیز طبق نیت و مقاصد دشمنان انجام نمی پذیرد . از آنها میترسند و هرچه بیشتر از آنان متنفر میشوند . افغانها نمیخواهند در بیم و هراس دائمی در برابر غارتگران و کشانان به جوانان به جرگه^۲ اشرار و دشواریات تهدید کشانده شدن به درگیری شدید و خونبار میان گروه ها و احزاب گوناگون زندگی کنند . بسیاری زکسانی هم که از آغاز با دولت انقلابی مخالفت میکردند و حالا از " مجاهدین " نومید شده اند . فرار از صفوف دشمنان افزایش مییابد و اغلب واحدهای کلمی خود را تسلیم میکنند .

واشنگتن در تلاش برای متوقف ساختن این پروسه کمک های مالی و انواع کمک های دیگری ضد انقلاب افغانستان را (از جمله کمک های تبلیغاتی) افزایش میدهد . اشراری که خود را به نیروهای دولتی تسلیم کرده اند آغاز فعالیت " مرکز اطلاعاتی افغانستان " در پاکستان را که به شرکت مستقیم سیا ایجاد گردیده و فاش ساختند . وظیفه^۳ اساسی این مرکز تبلیغ اقدامات و عملیات شورشیان در افغانستان (البته و ضمن اختفای خصلت جنایتکارانه آنها) و جعل " برگه های انکارناپذیر " درباره شقاوتهاست که گویا ارتش افغانستان علیه اهالی بیدفاع مرتکب میشود .

ولی نه جنایات دشمنان را میتوان مخفی و یا تبرئه نمود و نه اقدامات ایالات متحده^۴ آمریکا برای

1 - Chemical Weapon: Who Resorts To Its Use? Kabul, 1984.

2 - Enemies' Grimfaces Unveiled. Kabul, 1984.

افروختن آتشی جنگ اعلام نهد، را میتوان "کمک بشردوستانه به فراریان افغانستان" وانمود کرد. "کمیته مبین پرستان افغانستان در پاکستان" چندی پیش نامه ای برای پرزیدنت ر. ریگان فرستاد که در آن گفته شده است: "شما خودتان را طرفدار حقوق بشر قلمداد میکنید و میگوئید خواهان برقراری صلح در منطقه هستید. ولی عملاً تمام کوشش خویشتن را در راه افروخته نگه داشتن آتش . . . تجاوز علیه افغانستان بکار میبرید و به اشرار و قاتلین هرچه بیشتر کمک مالی و اسلحه میسازید. وضع فراریان افغانی . . . در نتیجه فعالیت شما روز بروز بدتر میشود. آنها با پوست و گوشت خود ارزش واقعی باصطلاح "دفاع از حقوق بشر" را که شما ماهرانه با معامله بحساب خون مردم بیگناه، مورد استفاده قرار میدهید احساس کردند. آنها از شما متنفرند!" "کمیته مبین پرستان افغانستان در پاکستان" اعلام میکند که آنها بیش از این به کمک های ماجراجویانه شما نیازی ندارند. زیرا این کمک علیه مردم افغانستان و علیه فراریان مورد استفاده قرار میگیرد (۱).

پروژه انقلابی در افغانستان ادامه دارد. موفقیت های حاکمیت خلق در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توده های هرچه بیشتر را بدان تمایل میسازد. تدابیر رهبری در جهت گسترش زمینه اجتماعی - سیاسی انقلاب افغانستان هم نتایج خود را بیار میآورد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری افغانستان علاقمند به دیالوگ سازنده میان نیروهای اجتماعی - سیاسی مختلف و از جمله آنها هستند که فعلاً نسبت به دگرگونیهای بنیادی که در کشور صورت میگیرد برخورد منفی دارند. چندی پیش شورای انقلابی ضمن فراخوانی تمام افغانها را دعوت به همکاری بسودا حیای وحدت ملی کشور و قطع خونریزی کرد. مردم از این فراخوان بگیری استقبال نمودند. اینکه قشرها و گروههای تازه ای از جامعه افغانستان به پروسه تحولات اجتماعی می پیوندند. دشمنان نقطه های اتکا خود را در داخل کشور از دست میدهند و هرچه بیشتر به مداخله از خارج تکیه میکنند.

انقلاب افغانستان با سرنوشت دشواری روبرو شده است و ولی پیشرفت انقلاب حسابهای دشمنان مردم افغانستان را که خواستار بازگرداندن جریان تاریخ به عقب هستند، کاملاً برهم میزند.

گروهی از اعضای
کمیسیون ویژه اطلاعات علمی
و اسناد و مدارک
مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

خبرهای کوتاه

برزیل

حزب کمونیست برزیل تصمیم خود را مبنی بر اشتراك در انتخابات مجلس قانونگذاری کشور کمباید در نوامبر سال ۱۹۸۶ انجام گیرد تأیید کرد. حزب کمونیست برزیل بر این عقیده است که این اقدام به وحدت تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی که هدفشان تحکیم پروسه دموکراتیزاسیون است و کمک خواهد کرد.

ویتنام

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و در چهارچوب تدارك ششمین کنگره نهمی حزب کمونیست ویتنام که اواخر سال ۱۹۸۶ برگزار خواهد شد و تصمیم گرفت به اقدام گسترده انتقاد و انتقاد از خود بپردازد و از تمام اعضای حزب خواست که در این امر شرکت جویند. هدف از این اقدام نتیجه گیری و اندوختن تجربه از فعالیت حزب کمونیست ویتنام طی دوران پس از تشکیل پنجمین کنگره حزب در سال ۱۹۸۲ است.

هائیتی

رفیق ر. تئودور دبیرکل کمیته مرکزی حزب متحد کمونیست های هائیتی پس از سالهای دراز مهاجرت سیاسی به میهن خود بازگشت. در فرودگاه پورتو پرنسو و هزاران نفر از وی استقبال کردند. او در میزبانی انبوه سخنرانی کرد و در مراسم گشایش ستاد حزب در پایتخت کشور شرکت جست.

کلمبیا

در انتخابات مجلس و شهردارینها که در ماه مارس سال جاری برگزار گردید نیروهای چپ کشور به موفقیت های چشمگیری دست یافتند. کاندید های ائتلاف اتحاد میهنی که حزب کمونیست کلمبیا هم در آن شرکت دارد بیش از ۳۰۰ هزار رأی بدست آوردند. آنها اکنون در کنگره ۱۴ نماینده دارند (درگذشته نیروهای چپ فقط ۲ نماینده داشتند).

آلبانی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کارآلبانی قراری را بتصویب رسانید که طبق آن نهمین کنگره نومی حزب کارآلبانی از سوپتا هشتم نوامبر سال ۱۹۸۶ برگزار میگردد .

بلژیک

طی مراسم با شکوهی در پایتخت بلژیک در کوچه ژان د'آردن خانه شماره ۵۰ از لوحه یادبودی پرده برداری شد که روی آن نوشته شده است " کارل مارکس در سالهای ۱۸۴۸-۱۸۴۶ در این خانه زندگی میکرد " .

برزیل

حزب کمونیست برزیل ۵ پس از بیش از ۲۰ سال (بعلمت مخفی بودن فعالیتهايش) اینک در سان پاولو جشنواره ارگان مرکزی خود روزنامه " وزدا اونیدادی " را برپا داشت . جشن با موتینگ بزرگی به پایان رسید .

جمهوری دموکراتیک آلمان

در مرکز برلین از مجسمه یادبود ک. مارکس و ف. انگلس پرده برداری شد . در موتینگ چندین هزار نفری که بدین مناسبت تشکیل شد اریش هونکر دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و صدر شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان سخنرانی کرد .

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۵ و ۶ (مه - ژوئن) سال ۱۹۸۶ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 5 , 6 1986

بها ۲ مارک یا معادل آن
Price: 2 DM or its equivalent

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله صلح و
سوسیالیسم ، از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری
کشورهای زیر ترکیب میشود :

اتحاد شوروی - اتریش - اردن - آرژانتین - اسپانیا -
اسرائیل - جمهوری آفریقای جنوبی - اسکوادور -
الجزیره - السالوادور - جمهوری دموکراتیک آلمان -
جمهوری فدرال آلمان - اندونزی - اوروگوئه - ایالات
متحدہ آمریکا - ایتالیا - ایران - ایرلند - برزیل -
بریتانیای کبیر - بلژیک - بلغارستان - بلوی - پاراگوئه -
پاناما - پرتغال - پرو - ترکیه - جامائیکا - چکسلواکی -
دانمارک - جمهوری دومینیکن - رومانی - ژاپن -
سریلانکا - سنگال - سوئد - سویس - سودان - سوریه -
شیلی - عراق - عربستان سعودی - فرانسه - فلسطین -
فنلاند - فیلیپین - قبرس - کانادا - کلمبیا - کوبا -
کوستاریکا - کواتمالا - کویان - لبنان - لوکزامبورگ -
لهستان - مجارستان - مصر - منولستان - مکزیکو - ونزوئلا -
ویتنام - هندوراس - هندوستان - جمهوری دموکراتیک
خلق یمن - یونان -

